

# حقیقت

۲ بهمن ۱۳۵۸

شماره ۵۵

پس از شاه نوبت آمریکا است



## موضع مادر

# انتخابات ریاست جمهوری

موضع انتخابات ریاست جمهوری برودی فرا میرسد. از هم اکنون دسه بندی های مختلف سیاسی در میان مبارزه اسخا با تی دربراسر یکدیگر صف آراشی کرده و نمایندگان این دسه ها تبلیغات و ماسوره های انتخابی را آغاز نموده اند. چه موضعی باید در میان این انتخابات اتخاذ شود؟

مادر "حقیقت" (شماره ۵۳) در این باره گفتیم که ما از یک سو با این انتخابات با ت مخالفیم و از سوی دیگر نسبت به آن بی تفاوت نیز نیستیم. ما با این انتخابات از این رو مخالفیم که آنرا کوشی در جهت منحرف نمودن سمت و اهداف مبارزات مردم و گسستن آن به امیدهای عبث دانسته، آنرا ادامه منطقی سیر و فرآیند "جمهوری اسلامی" انتخابات مجلس خبرگان و فرآیند دوم "فائون اساسی" میدانیم و در نتیجه نمیتوانیم در برابر کوشش های که میخواهد انقلاب مردم ما را ساقت کرده و عبیم گذارد، مخالف نباشیم. همه آنچه در این زمینه ها در ۱۰ ماهه گذشته از جانب هیئت حاکمه به پیش گذارشته شده است برخلاف مصالح انقلاب و رشد آن بوده است. بیجسای مجلس موسسان، مجلسی از عناصر دست چپ سده خود را زیر عنوان "خبرگان" به مردم ما تحمیل کردند و این مجلس سیرتای بونی یکدست صدا تعلقانی و اریحای بی آ و رود و عدالت سیرتای استعاده را جاساب و اعما دسه هی مردم آ را به تصویب رساندند و حساب

## گرامی باد رزم خونین خلق برای سرنگونی سلطنت

## درباره وقایع تبریز

تبریز در همه گذشته ها هوقایع خوبی بود. بدنبال تیراندازی با سداران اعزامی از مرکز بسروزی یک شطرات مدها رنفری مردم تبریز که منجر به شهادت بیش از ۵۰ نفر و زخمی شدن تعداد بسیاری گشت، "دادگاه اسلامی" تبریز تحت نظارت حجیت...  
پیغه در صفحه ۲

# کردستان چه مسیری را برای تکامل مبارزه باید انتخاب کرد؟ در صفحه ۵

# ۳ ماهه از اشغال لانه جاسوسی آمریکا میگذرد!

بردی که سه ماهه از اشغال جاسوسها میریالیسم آمریکا می کردد. "سورای انقلاب" و ایادیس در اطراف واکتاف (مانند وزارت امور خارجه) سنیکاری که در این مدت کرده اند، سارنگاری و مساسات و خرابکاری در امر مبارزه صدامبریا لبستی بوده است که بی ارزش است

جاسوسها می خواهند که...  
خواستند اسر دادگاه انجام گرفت، ار سکون توسط نیروهای انقلابی رسیده ای کردید که حواسته های واقعی مد کرده اند، سارنگاری و مساسات و خرابکاری در امر مبارزه صدامبریا لبستی بوده است که بی ارزش است

جاسوسها می خواهند که...  
خواستند اسر دادگاه انجام گرفت، ار سکون توسط نیروهای انقلابی رسیده ای کردید که حواسته های واقعی مد کرده اند، سارنگاری و مساسات و خرابکاری در امر مبارزه صدامبریا لبستی بوده است که بی ارزش است

در این شماره:

- تشدید بحران خاورمیانه ۱۶
- حزب خلق مسلمان ۱۶
- راپشناسید سخنی با نشریه زحمت ۱۶
- اهداف واقعی ۱۶
- کاندیداها ۱۶
- اخباری کارگری ۸

موضع ما ...  
براین گذشته و مضمون آن ، از جنبه  
ارائه یک راه حل پارلمانتاریستی  
بجای راه حل انقلابی ، و گناه کشیدن  
مردم به این ورطه نیز میباشد و انقلاب  
هنوز به سرانجام نرسیده میخواهند  
تصویر باطل پیروزی آنرا ترسیم نما  
بند و مردم را به انحراف بکشانند ، اما  
با در عین مخالفت با این انتخابات  
و این مسیر ، نمیتوان نیم نسبت به آن  
بی تفاوت باشیم ، زیرا در عین حال  
علیرغم میل و خواست ما ، توده های  
وسیع از مردم به آن چشم دوخته اند .  
مبارزه انتخاباتی جاری بیانگر  
مبارزه میان نیروهای طبقاتی  
مختلف و متضاد بوده و با توجه به تثبیت  
شده نبودن این هیئت حاکمه و همچنین  
یکدست نبودن آن ، نتیجه اش در مسیر  
آینده تکامل انقلاب و مبارزه طبقاتی  
تا شیر خواهد داشت .  
در اینکه قانون اساسی دست  
بخت حیرکان ، قانونی است ضد  
انقلابی و ارتجاعی جای هیچگونه  
سکی نیست ، لکن قوانین نیستند که  
مسیر و سرانجام مبارزه طبقاتی و آرا  
پس این نیروها را تعیین مینمایند و  
بلکه برعکس این مبارزه و آرایش طبقاتی  
تی ناشی از آنست که سرنوشته این  
قانون را تعیین مینماید . در جامعه  
ایکه قدرت سیاسی اش تثبیت شده  
نیست و نا همگون نیز میباشد و گشاکش  
برسرا بین قدرت و مضمون آن کماکان  
ادامه دارد ، آرایش و صف بندی طبقا  
تی و وزن هر یک ، بر تکامل آتسی  
جامعه تا شیری مستقیم دارد ، از اینرو  
نمیتوان صرفا با توسل به این استد  
لال که قانون اساسی ارتجاعی است و  
هر کسی رئیس جمهور شود مجری این  
قانون و در نتیجه ارتجاعی خواهد  
بود ، به این انتخابات و مبارزه ای که  
حول آن جریان دارد پشت نمود . اما  
از سوی دیگر نمیتوان با تکیه بر همین  
استدلال ، که ضرورت مداخله ما را توج  
ضح میدهد ، دچار این توهم شد که تو  
کوئی میتوان از این طریق انقلاب  
را به سرانجام رساند و با شرایط تحقق  
تغییراتی اساسی را مهیا نمود . کمو  
نیست ها بیس از هر نیروی دیگری  
خواهان آنند که انقلاب و تحولات  
بنیادی جامعه از طریق مسالمت آمیز  
به پیش رود ، کمونیست ها بیش از هر

هر کسی دیگری خواهان آنند که انقلاب  
با کمترین ممانعت و خونریزی به پیش  
رود ، لکن تاریخ مبارزه طبقاتی و  
انقلابات و ما هیئت ضد انقلاب به کمو  
نیست ها آموخته است که در آرزوی چنین  
تحول مسالمت آمیزی نشستن ، جز خوش  
خیالی و انفعال هیچ نیست . در نتیجه  
آنها برخلاف رویونیست ها قانون  
عمومی همه انقلابات را بخوبی آموخته  
طبقه کارگر و همه خلق را با چنین  
روحیه ای پرورش میدهند و چشم خود را  
بزواقتیات انگارنا پذیر منافع متضاد  
و متخاصم طبقاتی در جا معنمی بندند .  
مسائل انتخاباتی ریاست جمهوری  
شده است ، صحنه ایست از کشاکش و  
مبارزه طبقاتی جاری در کشور ما و گرچه  
طبقه کارگر از خود کاندیداتی در این  
عرضه ندارد ، لکن نه نسبت به انجام آن  
و نه نیروهای شرکت کننده در آن بی  
تفاوت است .  
شرکت سازمان مجاهدین خلق  
ایران و مسعود رجوی کاندید این  
سازمان در انتخابات ریاست جمهوری  
به مبارزه ای که در اطراف این انتخاب  
بانتخابات جاری دارد ، رنگ و هوای دیگری  
داده است . ما در عرصه این کارزارها  
هدف اصلی یک کاندیدای انقلابی  
حول یک برنا ما انقلابی هستیم و از  
اینرو با تکیه بر موضع پیش گفته در  
این انتخابات شرکت کرده و در راه  
تحکیم وحدت و مبارزه نیروهای انقلاب  
بی و ضد امپریالیست ، رای خود را به  
مسعود رجوی ، کاندیدای سازمان  
مجاهدین خلق ایران میدهم و از همه  
هواداران خود و همه نیروهای مترقی  
و انقلابی نیز می طلبیم که چنین کنند ،  
و در همین جا ضروری نیز میدانیم  
یا آوری کنیم که عرصه مبارزات  
انتخاباتی حاضر ، تنها یکی از عرصه  
های مبارزه و از دیدگاه مبارزات جاری  
ری در میهن ما عرصه کوچکی از آن می  
باشد و در نتیجه توجه صرف نیرو جهت  
آن با بدبا توجه به جایگاه آن و در بر  
تو وظایف اساسی انقلاب ما و زمینه  
های اساسی فعالیت در میان کار  
گران و دهقانان و خواسته های اساسی  
آنان صورت گرفته ، به آنها بصورت  
فعالیت جنبی یا دست دوم برخورد  
نگردد ، زیرا اگر سرنوشته کشور ما و  
انقلاب ما را مبارزه طبقاتی و آرایشی  
طبقاتی در این مبارزه تعیین میکند ،  
عرصه اصلی این مبارزه ، نه در پسای  
صندوق های رای ، بلکه در پیکان  
سازماندهی مبارزه طبقاتی کارگران  
و دهقانان بر علیه تهاذهای اساسی  
جامعه ما ( امپریالیسم ، سرمایه داران  
و ائسته و زمین داران بزرگ ) قرار دارد .

درباره وقایع ...  
الاسلام موسوی ، ۱۱ نفر دیگر از مردم  
تبریز را به اعدام محکوم و حکم در مورد  
آنان به اجرا گذاشته میشود . شهر عملا  
به حالت تعطیل درآمده ، حکومت  
نظامی عملا برقرار شده است . موج  
وسیع دستگیری و بیکردن مبارزان و  
مردم شهر و حمله به منازل مردم و ضرب و  
شتم جوانان شهر را لاتر میگیرد .  
در هفته گذشته ، مردم تبریز نیز  
چون مردم کردستان ، ترکمن صحرا ،  
بندرانزلی ، خوزستان و ... موزه جلادی  
ضد انقلاب را چشیدند و ضدا انقلاب بار  
دیگر چهره کریه خود را در سرکوب مردم  
قهرمان تبریز نشان داد . مطمئنا  
این کشتار و اعدامها و اعمال ضد  
انقلابی ، از جانب مردم تبریزی  
پاسخ نخواهد ماند .  
لکن آنچه در هفته گذشته و  
هفته های قبل ، تریز و برخی دیگر  
از شهرهای آذربایجان را فرا گرفته  
است ، ریشه در مسأله مهمتری دارد که  
بدون شناخت آن نمیتوان به یک  
آرزیابی همه جانبه و اصولی دست  
یافت .  
جامعه ما دوران حساس و ویژه  
ای را میگذراند ، از یکسوم مطالبات  
دموکراتیک و ضد امپریالیستی  
اقتصادی و سیاسی نوده های وسیع  
مردمی جواب مانده و هستت حاکمه  
نه تنها در جا مع عمل بوشادن به این  
خواسته ها عاجز است ، بلکه در برابر  
مسارزاتی که برانگیخته از همین  
خواسته ها است مقاومت کرده ، شدت  
عمل بیخرد داده و به سرکوب آنها رو  
آورده و میآورد . بحران اقتصادی  
سیاسی که فیل از سرنگونی دربار  
پهلوی به اوج خود رسید کماکان  
موجود بوده ، تا بسامانی وضع افضا  
دی کشور و در نتیجه فلاکت و سیاه روزی  
مردم کماکان ادامه داشته و در مواردی  
بدتر نیز شده است . همه اینها نمی  
توانند به بحران موج های پی در پی  
مبارزاتی مردم ، چه در شهرها و چه  
در روستاها نیا انجام دهد . در شهرها انبوه  
بیکاران و زحمتکشان با مشکلات و  
فشارهای متعددی روبرو هستند و  
خواسته های بحق آنها بی جواب  
مانده است ، در دهات نیز مسارزات  
انقلابی دهانی که سالها زمین مرکز  
نقل آنرا تسکین میدهند کماکان وجود  
داشته و هر روز رشد بیشتری می ناسد .  
مضمون اصلی همه این مسارزات ،  
تصادفاتی موجود در جامعه نظام  
ظالمانه کههن دست نخورده محمدرضا  
شاهی است و در شرایط کنونی ما مو  
فعلیت و جایگاه هیئت حاکمه جدید ،  
تداخل پیدا کرده ، پاسخ گوئی به اس

# حقیقت

سه ماه از ...

ببرند، و از سوی دیگر ظرف "شورای انقلاب" کوشش مجدانه‌ای؟! گردیده است که حتی با آیکی کردن خواسته استرداد شاه، مساله مبارزه ضد امپریالیستی ما شمالی شود و شور و هیجان نوده مردم جوانان نده شود.

یکماه و خورده‌ای پیش، وریسر امور خارجیه با تفرعن خاص خود، وعده آغازیک "هیات منصفه بزرگ" را در ۲۶ دسامه (۱۶ رانویه) می داد، ولی ۲۶ دسامه گذشت و هیچ خبری نشد!! همین امر نشان میدهد که حسی ارائه بر ماه‌های سازگارانه و مردم‌فریبی چون "هیئت منصفه بزرگ" بی‌سررای محرف کردن مردم و مبارزه بوده است. تعلقا روزا را امور خارجیه و "شورای انقلاب" در اس مورد بدینسان تلفسی نظیر ادبیا رئیس جمهوری نیا ما و با مدیرا کنی مطب زاده به والد هادیم و حواله دادن مبارزه به گرد دورهای بی انتهای سازمان ملل خلاصه می شود. ما از همان ابتدا گفیم که ایس "شورای انقلاب" در پی خواستادن مبارزه و سازش و مصالحات با امپریالیسم آمریکا میباشد و سیاستها و اعمال آنها در طول نزدیک به ۳ ماه این امر را نشان میدهد است.

مردم زحمتکش و ستمدیده ایران که خواهان قطع کامل نفوذ امپریالیسم و کوتاه ساختن دست آنها در ایران هستند، نمی بایستی انتظار را از این "شورای انقلاب" و کارگزاران برای حتی تحقیق کوچک ترین خواست صدا امپریالیستی خود داشته باشند.

مبارزه ضد امپریالیستی و کوتاه ساختن دست امپریالیسم و در خارج اول آمریکا، جها بحوار، با "سیلیبعتاب" سخره مطب راده و امثال وی امکان ندرست است، مبارزه برای کوتاه ساختن دست امپریالیسم و در صورت سبکسوزی و همس جازروزی رمن و در درون ایران سیاسی سبکسز مدهود، در سازخ کمیونی مسارره انقلابی با امپریالیسم فقط از طریق داغان ساحس بانگا هتای امپریالیسم در درون ایران در ساسی رمندها و خلق دارواستکسان و ناخا هتای اجناسی آنان مسواست سجدیحی ناند، را بپایانگان

توان و نیروی توده‌های مردم و بخصوص زحمتکشان جامعه، همه بیشتر در این امر حیاتی دینفعند، شما سهای تلفنی و نامه پراکنشی به والد هادیم، توطئه مکارانه‌ای است برای پرتاب کردن مبارزه به درون جلسات خستگی‌آور بحثهای "شورای امنیت" و منحرف ساختن و خفه کردن مبارزه ضد امپریالیستی!

برای پیروزی در مبارزه ضد امپریالیستی با بدپایگان هتای آن رانا بود ساخت، مهم‌ترین ارگان اجرایی امپریالیسم در درون ایران، ارتش با زمانده ز دورا ننا هتاشی است. این ارتش جنایتکار با امرای سرسپرده‌ای چون شاکروفید و طهیر سرزاد، امرای در آستین است که در موقع مناسب مانند گذشته ننگینش سلفع ارسانان آمریکا شای اش بیروی مردم نفع خواهد کشید. همین چندی پیش بود که توطئه یک کودتا در نیروی هوا-نی کشف شد و سران کودتاچی که همگی از امرای نیروی هوایی بودند دستگیر شدند. بدون درهم‌کنسن این ارتش و مجازات سران سرسپرده آن، که مهم‌ترین پایگان امپریالیسم و بیروی مرتبی آنست، هر لحظه خطر انقلاب را تهدید میکنند. برای مقابله با امپریالیسم مردم ایران احتیاج سبک بیروی نظامی مردمی دارند و فقط یک ارتش خلفی که تکیه بر خلق های مسلح ایران دارد قادر است جو بگوئی بداین نیاز است. تسغیر بنیادین در سیستم تاشا هتای ارتش و ربرور کردن آن، آموزش نظامی و تسلیح نوده‌های انقلابی و تشکییل میلیشای بوده‌ای، محاکمه و مجازات سران سرسپرده ارتش، از مهم‌ترین کارهای است که باید صورت گیرد.

برای پیروزی در مبارزه ضد امپریالیستی با بدپایگان هتای اجتماع آن رانا بود ساخت و با انکاء به توده‌های زحمتکش، سرمایه‌داری وابسته و بعیای سیستم فئودالیسی در روستاها، با یکا هتای اصلی اجتماع امپریالیسم می باشد. همین نشو و دالها و خواهان و سرمایه‌داران وابسته هستند که امروز در درون ایران به توطئه جیبی معولند و سر علیه کارگران و دهقانان سبغ میکنند. ملی کردن واقعی و معادله‌دارائی هتای اموال امپریالیسم و وابستگان نشان، با حرکت در آوردن حبس کارگری در اس سب و سویا بسود مبارزه ضد فئودالی دهقانان ما را رده ضد امپریالیسمی و منبرج ساحس و تحقیق ساز "رمن" در هتای است ترمات حدی سرنگرا امپریالیسم و رسیاج

و اردخواهد آورد. کارگران از صمیم قلب آماده ورود به این مبارزه اند و حتی در برخی از شرکتها وابسته به امپریالیسم خود را سادست به ایس حرکت زده اند. دهقانان ایران که در زیر بار ستم فئودالها و خوانینی زندگی شان بر باد رفته است، با شعار "حمایت از فئودال، توطئه امپریالیسم" آماده ندان با اطمینان از تحقیق خواسته‌هایشان، به این مبارزه روی آورده و یکی از پایگان هتای اجتماع امپریالیسم بین از انقلاب دست به ترمیم شبکه‌های جاسوسی و حرابی ری وابسته به خود زده است، دارو دستف های ساواکی به یس سازگار یهسا و خیانت بیستی های محافظ هیات حاکمه آزادانه در جا مع می گردند و به گسترش و تقویت شبکه‌های خرابکاری خود مشغولند. مرتجعین بنا مسی چون یاسینی ها و معاون ثابتی ها و برای ارتش از زندانها خلاصی می یابند و حتی کاهی اوقات دوباره بخدمت مسرا خواننده میشوند. دادگاه های انقلاب اسانا به ارگانهای برای تیرکته این جاسوسان و کارهای بی اهمیت و قلابی چون محاکمه فواحش و فاجا جیان بدل سده اند. باید سریعا با انتشار لیست ساواکی ها و عوامل امپریالیسم، دست آنها را رو کرد و در میان توده مردم منفرد ساخت و در هر کجا که روح کرده اند، بیرون کشیده و نابود ساخت. باید سریعا عوامل و اباد دی امپریالیسم و همه آن لیبرالها و سازشکارانی که در مقابل آنها سستی بخرچ میدهند، افشا کرده و مجازات نمود. "شورای انقلاب" و دولت نشان داده است که نه تنها در پی این کارها نیست، بلکه خود در پیوشیده ماندن چهره این جاسوسان میگوید. همه نیروهای انقلابی، همه ارگانهای مترقی و مردمی در تمامی ادارات، کارخانهها، ارتش، ... خود را همه امکانهای که در اختیار دارند باید به این مهمس

بپردازند. امپریالیسم آمریکا و مرتجعین وابسته بدان در منطقه میگویند نسنا انقلاب ایران را محاصره کنند و آن را در درون خود خفه سازند. همه اسادی و عوامل امپریالیسم در منطقه سر علیه انقلاب ایران دست اتحاد نمیکند. داده و سر علیه آن توطئه میچینند. امپریالیسم آمریکا و همسما با نس میگویند انقلاب ایران را از انقلاب با ب وحس های سار حلقها و خصوص خلق های منطقه جدا سازند و حلقه‌های ارتجاعی و منحدر مقابل آن سگسل دهد. در مقابل این ساسب ارتجاعی

امپریالیسم، خلقهای ایران باید با تمامی وجودا جنبشها و انقلابات سار خلقها دفاع نموده و هرگونه یاری و مساعدت مادی و معنوی به آنها ننماند. بید و جنبه متحد ارتجاع منطقه را داغان کنند. در مقابل این سیاست امپریالیسم با انقلاب ایران باید با جنبشهای رهاشی بخش در تمام جهان و بخصوص منطقه متحدا به مقابله برسد. خیزد، باید توطئه منفرد ساختن انقلاب ایران را با انکاء به خلقهای جهان و منطقه درهم شکست. بهشتیانی مادی و معنوی از این جنبشها و انقلابات اساس این مساله است.

مردم ایران هنوز باید بر خواسته استرداد شاه خائن و اموال به غارت برده شده توسط این جانی پافشاری کنند، باید بر محاکمه و مجازات جاسوسان آمریکا شای سفارتخانه آمریکا با توجه به اینکه این محاکمه، محملی باشد برای تعمیق و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی واقعی، یعنی بر ملا ساختن توطئه‌های امپریالیسم در ایران، افشای قرار دادهای اسارت با اقتصاد، نظامی، سیاسی و فرهنگی در درون این محاکمات، افشای اسامی جاسوسان و عوامل ساواک و سیا و پافشاری نمایند.

یک کلام، مبارزه ضد امپریالیستی باید بعمل فاطع و انقلابی تکامل با بدویا یکا هتای اجتماع و ارگانهای امپریالیستی را تا نبود سازد. و این امر بدون بسیج و منسکل ساختن توده مردم برای تحقیق خواسته های ۱ - افشاء و نفوذ سرار دادهای اسارت بار، ۲ - محاکمه و مجازات عوامل و ابادی امپریالیسم و ارتجاع، ۳ - ملی کردن و معادله‌دارائی های امپریالیستی و وابستگان نشان، ۴ - معادله طلاق فئودالها و خوانینی و تقسیم زمین آنها بین دهقانان، ۵ - تغییر و در گرونی بنیادین در ارتش و بسیج و منسکل ساختن یک نیروی نظامی مردمی و تسلیح و آموزش نظامی مردم، ۶ - حمایت و پشتیبانی از جنبشهای آزاد و بیس بخشهای منطقه و در کسار اینها پافشاری بیروی اسر داده‌ها خائن و اموال غصبی و محاکمه و مجازات جاسوسان آمریکا شای، امکان پذیر نیست. "شورای انقلاب" و دولت برخلاف این مسر حرکت میکنند. سروهای انقلابی وجود مردم با دستنشین هارا با لاسرند!



درباره وقایع ...

لاکن، این تنها یک روی سکه و یک طرف مساله است و حسابش بودن و بیره گی سراط کثونی جامعه مسال دنیفا در روی دوم طرف دیگر ایس مساله نهفته است که بی توجهی به آن نتایج ای مگرا انحراف درسیا مسالست نخواهد داشت .

سوی دیگر مساله، مبارزه ضد امپریالیستی جاری در کشور ما، توطئه های امپریالیست آمریکا برای درهم شکستن این مبارزه و صف بندی های طبقاتی چه در سطح کشور و چه درون هیات حاکمه در ارتباط با این مساله می باشد. بدنبال اشغال جاسوسخانه آمریکا و با لاکیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما و بیخاطر افتادن منافع اساسی امپریالیست آمریکا چه در ایران و چه در منطقه، امپریالیست آمریکا به کوشش خود جهت تغییر اوضاع به نفع خود افزود. از جمله نکالی که این کوششها بخسود گرفته و رابطه مستقیمی نیز با گروهان گیری درون جاسوسخانه دارد، بر سر انداختن جناح موافق با این مبارزه در درون هیئت حاکمه و تقویت سایر بخشهای این هیئت حاکمه، (از لیبرالها گرفته تا نمایندگان پارلمانده از رژیم گذشته) و در نهایت روی کار آوردن قدرتی که منافع وی را با منافع داری کند. دام زدن به اغتشاشات سوار شدن بر خواسته های به حق مردم و سوء استفاده از مبارزه ای که در پی خواسته های به حق دموکراتیک اش در برابر این هیئت حاکمه قرار گرفته است، توطئه و ترور، فشارهای اقتصادی و سیاسی، تیلورات این حرکت امپریالیست آمریکا است. ملت ما باید نسبت به این توطئه ها هوشیار رسوده، آنها را درهم شکند.

ما از آغاز با لاکیری مبارزات ضد امپریالیستی جاری، شاهد در هم آمیختگی این دو سوی مساله در بسیاری موارد بوده ایم و رود جریان مسالست مشکوک و ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم در جبهه مخالفت با این هیات حاکمه نمونه این سوا هدهستند. در کردستان جریان بی چون "سازگاری" وابسته به شیخ عثمان نقسبندی که هیچ شکی در وابستگی اش به امپریالیسم نیست، به یکباره

وارد صحنه شده خود را یک پای مبارزه به حق خلق کرد جا زده است و امپریالیسم نیز با دلار و اسلحه از آن حمایت می کند. در بلوچستان دستجات خان ها و سردارهای وابسته به امپریالیسم علم "مبارزه با هیئت حاکمه را برافراشته یک سبه "مبارز" سده اند، در جریان و نایع تبریز نیروهای وابسته ای چون "پان ایران نیست ها"، "بنی احمد و علمداران خود فروخته "حزب جمهوری خلق مسلمان" و امثالهم خود را وارد کارزار کرده، کاسه داغ ترا ز آتش شده اند و سنگ "آزاد حیواهی" به سینیه میزنند. جم فرو بستن به این حقایق و اهداف این نیروها، ندیده گرفتن توطئه های امپریالیست آمریکا و خطر عظیمی که این توطئه ها برای کشور ما در بردارد می باشد.

جدا کردن این دو از یکدیگر را نمیتوان از هیئت حاکمه ای که خسود دستی در همه این توطئه ها دارد و بنا بر ماهیت اش توان ایجاد چنین تفکیکی را ندارد، انتظار نیست و بیویژه اگر این انتظار را راجع به کمونیست ها باشد، آنوقت بیانگریک انحراف عمیق و پائین آمدن اینها تا سطح یک خرده بورژوازی ساده اندیش می باشد. این کمونیست ها هستند که باید حقایق را آنطور که هستند برای مردم توضیح داده، توطئه های امپریالیسم را عقیم گذارند و با بیوندادن تحیح مطالبات دموکراتیک مردم ما مبارزات ضد امپریالیستی جاری، مسیر درستی را برای نکلان انقلاب ترسیم نمایند. هر نوع انحراف در این آرزو با بی ها، به انحراف یکجا نبه "حب" و راست انجا سیده، نتیجه ای مگرضمیت با مبارزات مردم و خواسته های به حق آنها نخواهد داشت .

وقایع تبریز یک نمونه بارز از آنچه تا بحال گفته ایم می باشد و بخوبی بیروز انحرافات گوناگون را در نهضت کمونیستی ما ستان میدهد. سازمان ما در اعلامیه ای که در همان کت از جنین نقطه نظری، از یک سو خلاصیت خود را از خواسته ها و مطالبات بحق دموکراتیک مردم آذربایجان و مبارزه برخاسته از آن اعلام و بر ضرورت بیوند یافتن این خواسته ها با مبارزات ضد امپریالیستی جاری در کشور ما با فشاری نمود و از سوی دیگر سه افساء دستهای سیاه توطئه گرو ترقه آ و رچه در درون هیئت حاکمه و چیه آن سوی این هیئت حاکمه پرداخته، بسه مردم قهرمان آذربایجان همدار داد. اما ما بر جریانات جنبش کمونیستی ما یا از یک سو بی چون چرا بر هر چه

در آذربایجان گذشته است مهرتا شیدنها ده، دستهای سیاه توطئه گر عمال امپریالیسم آمریکا را ندیدند (چون "زحمت") و با از سوی دیگر بر خواسته ها و مطالبات بحرم آذربایجان و مبارزات رزائی که در اساس در پی گرفتن همین خواسته ها جریان داشت مهر "توطئه امپریالیسم آمریکا" و با "دعوائی دو آخوند" کوبیده، به انحراف عمیق دیگری در غلغلیده اند (چون "پیکار و فدائیان"). هر دوی این انحرافات در عمل به نتایج زیانباری منجر میگردد. یکی با ندیدن توطئه های امپریالیسم و کوشش عمال امپریالیسم برای سوء استفاده از مطالبات به حق مردم در عمل به این توطئه ها پرده میکشود و نتیجه ای مگرتظهیر این جریانات و کسب وجهه برای آنها با رنیا و رده و آنجائی هم که میخواهند دست به افساء گری بزنند، بنا درستی این جریانات را "لیبرال" دیده، قادر به در یسندن ما سک "لیبرالی" این عمال امپریالیسم و خده منگزاران آن نیستند و به آنها مقامی در حد "آزاد حیواهان لیبرال" میدهند و دیگری با ارزیابی یکجا نبه و ایضا انحرافی از آنچه در تبریز گذشته و بر خواسته های به حق مردم و انگیزه های مبارزات آنها خط سلطان کنیده به سوی دیگر همیسن انحراف در میغلطد. در اینکه جریاناتی چون بر بیتمداری با استفاده از اعتقادات مذهبی مردم آذربایجان از مبارزات و خواسته های به حق آنان سوء استفاده کرده و میکند، شکی نیست، لاکن کمونیست ها نباید بررسی مسائل را در همین حد را کرده، نفس خود را تا سطح تفسیر (و آنهم تفسیر انحرافی) از کتا کس و مبارزه طبقاتی جا معه پائین آورد و به مردمی که از آنها پشتیبانی و بیس از آن هدایت می طلبند یشت نما بند.

در رویدادهای همنه گذشته سه تبریز، دستهای شوم ضد انقلاب از آستین یسارار ان عزامی و "دادگاه اسلامی" و کسان بی چون حجت الاسلام موسوی بیرون آمده، به کتا ریستی از ۵۵ نفر و اعدام ۱۱ نفر دیگر انجا مید. آنکس که فرمان این کتا را و اعدام های فاسیستی را ما در کرده است، نمی توان در خدمت امپریالیسم و ضد انقلاب نسا سد. اینان خواهان مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ما نیستند، آنها خواهان ابا جنگ داخلی و برادرگی، خواهان تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی و فراهم کردن سراط برای سوجوشی امپریالیسم آمریکا هستند و مردم قهرمان تبریز و همه مردم ایران با یسایس دستهای

سیاه که سرخشان در سورا ای انقلاب است را بگیرند و از آستین قطع نما بند. هم آن کسان بی که توطئه می کنند، بیگ هدف و ا حد دارند و آن تضعیف جبهه مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما است. "سورای انقلاب" از همان آغاز با این مبارزات و خواسته های آن مخالف بود و هیچ فرصتی را برای ضربه زدن به آن رها نکرد و چه علنا و چه در خفا به توطئه جینی بر علیه آن برخاست. ایادی این سورا در سرکوب مبارزات مردم و تحریک احساسات مردم نقس معاللی داشته اند و کتا را خیر و اعدام های وحشیانه بدستور مستقیم اینسان بوده است. مردم آذربایجان در این میان با یدویژه مواظب ارتش نیز باشند، زیرا سردمداران خود فروخته و آمریکا شی ارتش نیز از هر فرصتی برای تحکیم موقعیت خود، که هیچ نیست مگرتحکیم موقعیت ایادی ونوب کران امپریالیسم آمریکا سود می برند. اینان هما نظور که بعد از قیام بیهمین ۱۳۵۷ با مردم ما برای حفظ موقعیت خود "ابرا زهمیستگتی" کردند، میکوب شدت اینجا و آنجا و بر حسب سراط برای خود نا خوبی در میان مردم بدست آوردند و پشتیبانی کاذب آنها از مردم آذربایجان و دودوزه بازی کردن سران ارتش همین هدف بلیدر دارد و نباید در هیچ سراطی اجازه جنیسن بیبر برداری را به آنها داد.

مردم قهرمان تبریز، با یسایس هوشیار باشند و در عین یساری بروی مطالبات و خواسته های بحق خود و بیوندادن مبارزه برای ایس خواسته ها با مبارزات ضد امپریالیستی جاری، هر کس و نا کسی را که بیط هر خود را هواداران می نما یا ند بخود راه ندهند و مح توطئه گران و جنا یتکاران و عمال امپریالیسم را از هر طرف که میخواهند با شند بگیرند و نه اجازه دهند که خواسته های برحقشان با بمال و سرکوب شود و نه اجازه دهند که ارتجاع و امپریالیسم مزورانه از خواسته ها و احساسات آنان سوء استفاده کرده

مفاص دشوم خود را به پیش ببرد. درود سرخلی دلاور قهرمان آذربایجان مرگ برا امپریالیسم و ارتجاع بر ملاونا بود و با توطئه های امپریالیسم و عمال آن

درنگبیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید



## دانش آموزان زمینهای "جورسری" را مصادره میکنند!

چندی پیش دانش آموزان آمریکا را و بجز آن دسته از مردم منطقه استثناء که بواسطه داشتن فرزندان حاصل، برایشان امکان داشت، متوجه شدند که آموزش و پرورش استان کیلان مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰ (یک میلیون و دو بیست هزار تومان) برای ساختن مدرسه در اختیار منطقه آنها مگذارده است. اما شرط آموزش و پرورش معرفی زمین بوده است، این موضوع با اصرار زیادی از سوی جندتین از معلمها و تعدادی از دانش آموزان مسئول و متعهد دیگری است. بنام "جورسری" حاضر میشود (از ترس زمزمه‌های که به گوش رسیده بود)، که مقداری زمین (کمتر از ۱۰۰ متر) در اختیار مردم و آموزش و پرورش بگذارد، ولیکن بای عمل که میرسد "جورسری" میگوید، زمین را میدهم شرط آنکه راه زمین (مدخل) را از زمین بخرید. حال آنکه این امکان وجود ندارد و تنها این پول برای ساختمان اختصاص دارد، و نه خرید زمین. دانش آموزان و آموزگاران که با این مسأله روبرو میشوند، خود دست به عمل انقلابی میزنند و قطع زمین بزرگی را که کارکنان را سفالت و در محل کار ملامت سنی فرار دارد دست کم ۱۰۰۰ (ده هزار متر) میبندد، پس از یک راه هیبمانی و مطرح کردن شعارهای خویش تحت عنوان (اموال نزول خوار ملی باید گردد - مرگ بر زمین دار - ...) تصرف مینمایند و بلافاصله طلع‌تعارف‌های خویش را می‌نویسند و میگویند ما از اینجا سرکلاسی‌های درس نخواهیم رفت تا (بی) ساختمان کنده شود و کار آغاز شود. غروب روز سه‌شنبه ۱۳۵۸/۱۰/۱۱ پس از اینکه هوا تاریک می‌شود، مثنی‌لات بی سروپای اجیر شده بدست "جورسری" به دروز زمین میریزند شعارها و عکس‌ها مچیننی و پرچم‌ها را به میکندند. صبح روز چهارشنبه ۱۳۵۸/۱۰/۱۲ دانش آموزان به محض برخورد با مسأله و بسته بودن در زمین، فلفل در بر می‌کنند و با فریاد دسای "مرگ بر نزول خواران" وارد زمین میشوند، اینبار دانش آموزان محترم تر هستند، و میگویند همین امروز با سکا کار آغاز شود، و شروع به کندن زمین میکنند، درخت‌های تکستر را از سر راه بر میدارند و در محل تعیین شده قبلی شروع به کار میکنند، در روز چهارشنبه مسئول ساختمان ونوسا زی آموزش و پرورش، معمار سا زنده، رئیس آموزش و پرورش لشت نشاء مدیر مدرسه، نمایندگان دانش آموزان و آموزگاران جلسه تشکیل میدهند و در آن جلسه نماینده آموزش و پرورش قول میدهد که اگر فردا یعنی پنجشنبه کار را آغاز کنند، که متاسفانه تا صبح پنجشنبه آغاز نشد، اما دانش آموزان که حتی برخی از آنها با اصرار خودشان در روز چهارشنبه درون زمین سربازگلاس درس هم تشکیل دادند، باز به هموار کردن زمین، ایجا دزمین و لیبال و نصب نور، آوردن رنگ سنتی مدرسه به زمین اقدام کردند، و حرف آخرشان هم این است: تا ما آغاز کار را به چشم خود بینیم به سرکلاسی نخواهیم رفت. در اینجا باید "جورسری" را شناخت، این نزول خوار که کیف که تمام ثروت خویش را از حساب مردم جمع کرده است صاحب چندین دستگاه مینی بوس مسافر کشی، اتوبوس در اتوبوس، ساختمان چند طبقه (در رشت نزدیک چهار راه میکا شیل) خانه و مستغلات و بسیاری ثروت‌های منقول و غیر منقول دیگر، یکی از بدنامان و افراد دکشیف لشت نشاء میباید و از نظر مردم از قماش اسکندری‌ها و طالس‌بورها و علی امینی‌ها میباید. بدینست که بدانند که حتی همین زمین را هم چندین سال قبل بابت طلبی که از صاحب آن داشته و روز بروز بیا در شده بود به زور گرفته است.

ما اقدام انقلابی دانش آموزان را در جهت خلع ید از نزول خواران و زمینداران بزرگ که در شرایط حساس مبارزه کنونی مردم یکی از بزرگترین موانع پیروست انقلاب هستند می‌ستایم و بر این اعتقادیم که تا این انگل‌های اجتماع بدست توانای مردم در هم بیچیده نشود، سازتوطئه و سرکوب‌مآب‌ها را با حق طلبانه مردم گرم است و همین زالمصنان هستند که نیک مبارزه علیه امپریالیسم و رنجاع را کند تا حته و زمینداران برای سلطه مجدداً امپریالیست‌ها فراهم می‌سازند، از همس مبارزه‌هاست که در می‌بایم که مردم بخوانند منتظر اقدامات از لایا سده‌سپا کاری صورت نخواهد گرفت بلکه سرخس

اعلامیه سورا های ...

سرما به راهای وابسته و سازگار روحا میان آنها عامل اصلی حفظ نمودن سلطه امپریالیسم در زمین ما هستند. درود بردن سنجوبانی که با استا کریبیای خود چهره کسب سرما به داران و جاسوسان و دوستیان امپریالیسم آمریکا را آسپا کرده‌اند. سورا های متحدکارگران خواستار ادا تعاضای جاسوسان و عوامل امپریالیسم آمریکا و نوکرانش میباید، و هر کوس که در جهت جلوگیری از استا کریبیای انجام کسب فقط در حد مباد امپریالیسم میباید. سورا ی متحدان...

نه خواهان قطع کامل نفوذ سیاسی نظامی، استماری امپریالیسم حیا نی و مخصوصاً آمریکا و مصادره اموال سرمایه داران مرجع و وابسته و سازگاری - با سواد رای رایج کوس و مصادره ای خودداری نخواهد کرد.

۲ - در سراطی که مردم میهن ما میروند تا ناما سکل های امپریالیسم - نبرد سر خرید، کارگران منهن ما سز در کنارت آموزش نظامی برای سرکوب شهرت امپریالیسم آمریکا دست به مبارزه سمدی بر علیه سرمایه داری و - بسز در دهانداران جهت سیرا استقلال اقتصاد ای را برای مردم میهن ما بسه دست آورد. بهمین دلیل است که کارگران کارخانه های ناطمی، قزل باف، ورنه با جلوگیری و اجراج و بیگاری که خواستار امپریالیستها سب و نفتکاران مبارز سرکوب حفاری سذکو، سادیران (یکی از سرکوب های نعت حفاری آمریکا - نی) با مبارزه سراط ملی کردن سرکوب بر سر علیه سرمایه داران وابسته دست به مبارزه زده اند.

سورای متحد پیشتیانی خود را از کارگران این شرکت‌ها و سمامکارگران که دست به مبارزه بر علیه نفوذ امپریالیسم بزنند اعلام میکند.

۳ - سورای متحدان مبارزان برادران دهقان ایران بر علیه فئودال لیساکه دوسان نزدیک سرمایه داران وابسته هستند، حمایت کامل میکند. ما چهره اربابان و سرمایه داران وابسته که برادران دولتی هم هستند و سعی میکنند در روستاها خرمن روستاها را از دست بزنند و در کارخانه‌ها سبای درخوا باندن کارخانه‌ها بید و تولید را کم کنند و به سبای محلی کارگران را اجراج نمایند تا کسور را به بحران اقتصادی بکشانند که بنوا شند و به پای امپریالیسم خوخوا را به آمریکا را به منهن ما سار کنند و در حقیقت سعی میکنند نفس رفیق دزد سرکوب تا فله را بازی کنند، خوب می‌سناسیم چون خیلی از ما کارگران اروسا با به شهرت مده ایم و اخلاق کسب این اربابها با به اصطلاح خارجی فئودالها را می‌سناسیم و بیس جهت ما از مبارزات حق طلبانه دهقانان ستمدیده ایران دفاع همه جا بسه میکنیم.

۴ - سورای متحدان و نظای کسور سوری راه ملت مبارز و مسلمانان افغانستان محکوم کرده، و میفدیم که هر ملت با بدخود سرنوشت خود را تعیین کند، و این عمل سوری را که دعای سسسانی ارمیت‌های زجر دیده را دارد، با تاج و زامپریالیسم خوخوا را آمریکا به ویتنام، کامبوج و ایران ولتکرکی عامل آمریکا، ساها ش جنایکار به کسور عمان هج ترمی ندارد.

۵ - ما خواهان محاکمه علنی مزدوران امپریالیسم: امپریالیسم ما و مقدم - مراغهای ها و روغنی‌ها و جمسیدان سرتورها و غیره بوده، سا اینکه به ربان خود در سیرا بر خلق ایران به خسارت‌ها سنان اقرار نموده و این درس عبرتی ساد سیرای نمای مردم ایران سیکا به که هنوز انقلاب عظیم ما را درک نکرده اند.

۶ - ما خواهان محاکمه علنی کروگاسپا و تمام جاسوسان آمریکا شیوا سترداد شاه‌خائن می‌باشیم.

### سورا های متحدان

سورای کارکنان سرکوب را ساد. سورای کارخانه آریا - سورای کارخانه زرب - سندیکی کف سب و سراط فتحی - سورای کارگران دوز سذگی ناطمی - سورای کارکا و منرو سهران - سورای اسلامی کارکنان ایتیموس - سورای کارگران تکسوکا - کارگران سج زری - سورای کارگران روغن موسورایران - سورای اسلامی کارکنان سرکوب و زسه - سورای کارکنان رادیا سورایران.

وزمن داران سرگ و همپالکی‌ها یسان فرصت با سه و نوطه‌ها میچینند. بیروزی دمبارا با حق طلبانه دانش آموزان و سرکسنا در جهت طلع سدار زمین داران بزرگ و سرولحسواران! سا بودیا دامپریالیسم و اادی داخلی این ارجاع و رمس داران سرکوب و سرمایه داران دلال سکا سسه!

# حقیقت

سیدبیدرحان ...

مان ، میکوسدنا اس دعوی مان خود را با مبارزه صدامیربا لیبسی خلقی ما فاطمی سموده و آنرا بصورت یک جبهه مان دهد .

کارترو ، بیروا سوال نظامی-امنستان توسط شوروی ، درسخرانی خود با ایما و اشاره ولیکن شخص میکوسد تا مبارزات ضد امیربا لیبسی خلقی ما را به حدید نظر در باره آمریکا دعوت نموده ، اینگونه بنام نادکده شوروی دشمن مردم ایران است ویس . بهمیس مناسبست مجله امیربا لیبسی نیورویک هعنکی درمقاله اصلی خودمسلار کارگران و اسنکتکن می نویسد : "مقامات آمریکا بی بیسی می - کنند که با لآخره ایران درک خواهد نمود که با لآخره شوروی ، که با آن سرز منبرک دارد ، دشمن اصلی اس می - باشد و نه آنکه در تبعید در محصل دوری بسر میبرد - ( ایران ) کرو - کانها را آزادخواهد کرد . " ( نیوزویک ۱۴ ژانویه ۱۹۸۰ )

بزیان آدمی زاد ، یعنی ایران بهنراست با آمریکا متحد سود و سرتسه فضیه کروکانها را همبیا ورد . چرا که دشمن اصلی اش شوروی است و نه آمریکا و نه ... !!!

شوروی سیزا سوی دیگر همیسن تاکتیک ارتجاعی را برای خام کردن و تخطئه مبارزات ضد امیربا لیبسی مردم ایران می نماید . اطلاعیه های مشکوکی در اطراف واکنش فپخش می - نماید و از زبان کاردار سفارت خود در مکزیک اعلام می نماید که "خمینی از شوروی درخواست کمک نظامی نموده است" . تا بدین وسیله بتواند مبارزه مردم ایران علیه امیربا لیبس آمریکا را در جبهه خود قرار دهد . البته بدنبال اعتراض نایسته آیت اله خمینی - نسبت به این ریاکاری روسها ، دولت روسیه تکذیب نامه ای انتشار میدهد که چنین صحبتها بی از سوی کاردار سفارتش در مکزیک صورت نپذیرفته است . ولی مردم ایران با چنین تاکتیک های مزورانه ای از قدیم آشنا بوده اند و این "تکذیب نامه" ها کار را بجائی نتوانند برده .

بهر حال ملاحظه میکنیم که دو ابرقدرت هرکدامشان بنوبه خود می - کوشند تا مبارزات ضد امیربا لیبسی

مردم ایران را تبدیل به دنیا لحد دعا و های امیربا لیبسی خود نماید . آمریکا در پی احظار ره های خود - شوروی و تخکیم نفوذ نظامی - منطقه خلیج فارس ، در صد در کسوت ' انقلاب ایران است ، و شوروی می - کوشد تا امیربا لیبس را با صدامیربا لیبسی مردم ایران بیخ مظلوم سطرده - جویا به خود سپهره گرفته و آنرا از حالت سنا سنا برد ، هر دو یک هتد دارند ، و از یک سو هاست ده می نمایند ، ولیکن با کلمات متعارف !

از اینرو بر انقلابیون ایران واجب است تا اس دودسه جبهه سندی را دشمنان تکک سموده و در عین بس - بر دمنار ره با دمن اصلی این مرحله امیربا لیبس امیربا لیبسی - یعنی آمریکا - در عین حال احاز نه دهند تا حسن صدار رجاعی و صدامیربا لیبسی حلقهای ما به دنیا لجه مظلوم سطرده - جویا نه ابر قدرت شوروی تبدیل گردد .



احسار کوتاه ... اسخدا مکرده اند . کارگران در طمی مبارزات متعدد و استنها ند حقوق خود را اسراس دهند ولی اوضاع طایب - فرسای کاروکارخانه زیدان عذاب - دهنده ای در ریدان است .

رورشنبه ۵۸/۱۰/۸ کارفرما زیر سایه دولت انقلابی و جماع بدستاس تصمیم گرفت ۶ نفر را اخراج کند . دولت منکوبد طرح استقال همسه بیکاران را ریخته است ، قسم ملارا با ورتکنیم با دم خورس ! البته بار دیگر کارگران کارخانه قزل باف در سا به اتحاد خود از اخراج ۶ نفر از کارگران که کارفرما به بهانه نداشتن مواد اولیه و ... میخواست اخراج نماید جلوگیری میکنند و ۵۹ نفر آنها را به سرکار بر میگردانند و هم اکنون فقط یک نفر از نماینده ها در خارج از کارخانه است که بر سر این یک نفر نیز مذاکره در جریان است .

تهران - کمدرا نیون کارگران ایران با تسکلات خدمتگرا کارگر - مایان ! از دارو دست و مدامعین نشوری ارتجاعی سه جهان بیش از این انتظار میسوان داشت که در مبارزه بس کارگران و کارفرمایان ، کامگران را فریب داده و آنها را تسوی به دست کشدن از مبارزه بر علیه سرما به داران کند . احسار کارگران کارخانه پلاستی ران برای جلوگیری از پیشتر با سوال عدن حقوقمان دست بسک

اروی ...

ما کارگران سرورهای از طرق مختلف حشفا ها و چه گشتیا ما هها است که سخریات و بسسها دات سازنده خو س را کوس مقامات دولتی رسانیده ایم ولی حروغدر و عید و حرفهای بو خالی که سنا دهنده بی عملکی و فادرنه بودن دستگاه ها که به رفع بحران بیکاری حده صورت گونا ه مدت وجه به صورت دراز مدت مینا سد و این علیرغم حواست ما در خدمت سازندگی این مرزوبوم و مطلق کامل ریشه های وابستگی صدامیربا لیبس و در اس آن امیربا لیبس آمریکا است و در این صورت آسما را هی حرا دامه مبارزه بخاطر تحقق خواسته های برحق خو س با شکل و محتوای ماطع سر وسید نرداریم ؟ ما از سمای کارگران بالاسگاه ، ای کارگران بسرو سیمی و ای همه کارگران شاغل میخواهیم تا به بدای حق طلبانه کارگران سرورهای همزنجیران تا با سحر رمنده مملو از روح همبستگی و وحدت کارگری بدهند تا ما بتوانیم هر چه سریعتر به خواسته های سرخمان با ثل آشیم خون همبستگی و وحدت سمانا ما نقش مهم و تعیین کننده ای در تحقق خواسته های ما دارد .

ما را عموم هموطنان ، روحانیون مبارز ، دانشجویان ، بازاریان ، سر - هنکیان ، دانش آموزان و همه مردان و زنان آزاده و مبارز میخواهیم - همبستگی به بسبببانی خو س از خواسته های برحق ما کارگران سرورهای دفاع نمایند . ما اعلام میداریم که از هم اکنون نه تنها خود بیکه در و سرزندان خویش را نیز آزاده مبارزه ماطع در جهت به دست آوردن خواسته هایمان کرده - ایم .

ما به همه مقامات و مسئولین دولتی هندا رسیدیم و خوا طرنشان میسازیم که تا زود است به خواسته های برحق ما ترتیب اثر بدهند و در غیر اینصورت مسؤ - لیت عواقب ناسی از آن متوجه خود آنها خواهد بود .

ما به همه بیمانکارها اخطار میکنیم که چنانچه بخوانند ما دست - بیکار گردان کارو کاروا جرای فوایط و سراط کار طالمانه خویش بگردانند و به اخراج سا غلبین بگردانند علیه آنان دست به اقدامات مفتضی خواهیم زد . ما یقین داریم که نیروی لایزال و قدرت فشرده و یک پارچه کارگران و همه زحمتکشان بشتوانه و ما من بسروزی ما را آزاده مبارزه به خاطر به دست آوردن حقوق پایمال شده مان مبارزه و قطع کامل دستان خون آلود امیربا لیبس آمریکا و وابستگان داخلی این مبارزه ما ادا خواهد شد .

"بیروز مبارزه حق طلبانه کارگران سرورهای سرسرایان علیه سرما به داران وابسته به امیربا لیبس آمریکا" " مستحکم با دیوند کارگران و زحمتکشان سراسر ایران" " مرکز امیربا لیبس آمریکا و عوامل داخلیش"

" سندیکای کارگران سرورهای ( فملی ) آبدان و حومه"

آیا شورای ...

نمیخورند . تنها تشکیلات حامی منافع ما کارگران تشکیلاتی مستقل از خود ما کارگران بدون دخالت کارفرمایان و دولت حامی آنان میباشد . پای مزدوران رژیم شاه و سرمایه داران ، صامت ، گوهریان ، زنبویی ، امیرخانی از کارخانه باید قطع شده و اجازه بازگشت بآنها داده نشود . تنها کسانی نمایندگان واقعی ما کارگران هستند که قبل از هر چیز مدافع خواسته های بحق ما کارگران باشند .

گروهی از کارگران کارخانه بریجستون شیراز

مبارزه و درگیری حدی علیه کارفرما - سخرات داده اش را دوباره برقرار بسان زده و موصی به بسرو کردن او میشود . دلالت سارس طغیان سنی - و خائسین به طغیان کارگر ! نا پذیر ( کارگران و سرمایه داران ) نهان - طی هفت گذشته کارگران یعنی امرا دواسته کمدرا سیون ۷ ناحیه از ۱۱ ناحیه راه آهن ایران قلابی کارگران نفس دلالی خود را اسفا نموده و با پول کارگران گوسعدی کلها و معا و بنسنان را در این نواحی حرسه و آن را برای کشن در ریربای اخراج نموده و بطریق شورش اقدام کارفرما داده میکند که کارفرمای با داره مور نمودند ، نواحی تیریز ، اخراج شده را سرگردانده و مسافع بقبه در صفحه ۵







## نگاتی پیرامون سندیکای کارگران پروژه‌های - اصفهان

بالاخره بدنبال مبارزات پیگیری که ما کارگران حین ترسست سا با سندیکای خودداسیم، بعد از یک دوره درگیری با مقام دولتی زور ارت کارو استانداری ( و انجام تظاهرات و تحصن و نما و صد در مقابل عا مری جمع که منجر به زخمی شدن عده ای و از دست دادن سید عیسی کارگری اصفهان - ناصر توفیقیان - کت ، توانستیم سندیکا را به نیروی اراده کارگران مبارزه "مقامات" محصل کرده و سه آن به اصطلاح رسمیت بحسیم .

اولین مجمع عمومی در مرداد ماه ۵۸ در محل سندیکا برگزار شد که ما اسفند اکثریت کارگران مواجه گردید . در این مجمع کارگران به انتخاب نمایندگان سندیکا اقدام نمودند ، اسخانات در سراسری غیر دموکراتیک و فاضلی تا سالم (هوجی گری عده ای که "من به فلان کس رای میدهم" و نطلب در اجرا و وظیفه جهت نوسن نام کامک اندبداها برای کارگران بیسواد) صورت گرفت .

عده ای از نمایندگان منتخب همان کسانی بودند که پیش از این با رهسا مخالفت خود را در عمل با ایجاد یک سندیکای انقلابی اعلام داشته و همواره می - گفتند که "سندیکا باید صرفاً صنفی باشد" و با "چپ روی بها به بدست فالانترها و کمیته میدهد" . همان کسانیکه پیشتر در مسندیکارانه به وسیله سیرو لایزال کارگران بلکه از طریق نام پراکنی و راههای با اصطلاح فائوسی می خواستند جامعه عمل بیوشا شوند ، اینان رسالت گروهی خود را تنها در گرفتن رهبری سندیکا دانسته و عملاً بعد از انتخاباتی بی کار خود رفتند . (لازم بذکر است که حساب نمایندگان که ما به معنای رزاتیشان بر همه ما روس اسرار حساب این آفابان جدا است .

گروه کرائی و اختلافات درون نمایندگان و نندیدن جبین کارگری با عت بوجود آمدن آنجا ن شرایطی گردید که کارگران بیکار از سندیکای خود سر - خوردند ، که این خود زمینه مساعدی برای خود نمائی عناصر دکانرگروم سکوک - الهویهای چون "جادی" و عوامل وی فراهم نمود (عاصری که به دسته های کل به استقبال جاسوسان آمریکا می - بل اسمیت - هفرو دگانه میروند ، بگذریم که این روزها جاسوسان آمریکا می کنند ) بطوریکه سرای دوره ای ابتکار عمل از دست سندیکا خارج گردید .

از این پس شوروی کارگران برای شرکت در جلسات سندیکا روبه کاهش نهاده و هر روز تعداد کمتری از آنان به خانه کارگری آمدند . چرا که در طول این مدت کارگران عملاً نفس مبارزاتی خود را از دست داده بودند و نمایندگان بجای آنها از طریق کاغذ بازی به اصطلاح مبارزه میکردند .

جدا افتادن بوده کارگری ار رهبری و سب و بود یک راه و دوطرفه بین آنان سبب شده با اولین "عطش" ارتجاع تمام رسته های سندیکا از هم جدا و کار - گران این سنگرمبارزاتی خود را از دست بدهند ، و روزها پست در سندیکا (خاسه کارگر) مات و مبهوت بدسال رهبری خود بگردند ، غافل از اینکه رهبری آنان را به حال خود رها کرده و بدون هیچگونه مفا و متی در مقابل حمله ارتجاع عقب نشینی با اصطلاح تاکتیکی کرده بود .

یورس و انقلابی ارتجاع به خانه کارگر و آزادیهای دموکراتیک و حقوق مردم ، حداقل این درس را برای ما کارگران داشت که بر خلاف نظریه ای از نمایندگان ، ارتجاع بدنبال "بهانه" نمی گردد ، بلکه هر وقت احساس کند که قدرتش می چرید حمله را آغاز میکند . دیگر اینکه برای معا بله با ارتجاع تنها از طریق کسب آگاهی سیاسی و ایجاد تشکیلاتی انقلابی (سندیکای انقلابی) است که میتوان مسلح گشته و پیروز شد .

در یک تشکیلات کارگری ما سندسندیکای ما که توده کارگران را در خود متشکل میسازد ، نمایندگان حکم رهبری سیاسی و عملی آنرا بعهده دارند . بهمین دلیل باید در انتخاب رهبران سندیکا دقت لازم را نگاهریسته و در واقع رهبرانی را انتخاب کنیم که حا می واقعی منافع ما کارگران باشند و افرادی هوجی و بی عمل . در مبارزات و برخورد ها شیکه سندیکا با سرمایه داران و دولت آنان دارد ، رهبران سندیکا باید از خود قاطعیت نشان داده ، اهل جازدن و سا - زش غیر اصولی نباشند ، رهبران سندیکای ما باید ..... (بقیه در صفحه ۱۱)

## آب آشورای کارخانه موافق منافع ما کارگران عمل میکنند؟

کارگران مبارز ، چند ماه است که از وجود آمدن شورای جدید کارخانه میگذرد ، اما این شورا کوچکترس دست آوردی برای ما کارگران نداشته و حتی یکی از دستاوردهای مبارزاتی ما یعنی بیرون انداختن چهار عامل سرما - بهادار مات ، گوهریان ، زبویی و امیرخانی که از کشیف ترین مهره های رژیم قبل بودند را بزیربا نهاده ، و بجای همراهی و همگامی با ما با شورای شناختن سایر مهره های مردور سودای با گرداندن این خوکان را در سردارد . آیا کسانیکه در تورا نستنه اند فکر میکنند ما با دمان رسته ، زما نیکه بخاطر درخواست کوچکترین خواسته صنفی ، این مزدوران ما را با تحویل ساواک و زندان میدادند ، و با بدون دادن کوچکترین حقی و اداریه استعفا میکردند . آیا این شورا فکر میکند که ما کارگران با دمان رسته که در اولین اعصاب مقدیما ن اینها از جمله سران کسانیکه بودند که باعث تعرفه و سپس شکست ایس اعصاب شدند ، شما خود بیرونده این خائنین را بررسی کرده اید و معتزفید که کوچکترین جرم یکی از آنها یعنی گوهریان بیرون انداختن ۱۵ کارگر و ۲ کارمند بدون کوچکترین دلیلی میباشد . آیا همین دلائل کافی نیست که این مزدوران سنگدل و عامل کارفرما دیگر حق بازگشت بمیان ما را بیبندند ؟ اگر شما آقایان در سورا دلتان برای اینان برجم آمده باید دلتان برای تمام مزدوران ساواکی که از برکت انقلاب پرشکوه ما ن بیکار و بیا ضربه خورده اند بسوزد ، ولی دل ما کارگران برای این قبیل مرتجعین همسچون با زوان پرنوا نمان سخت و فولادین است ، و اینرا هر کسی که فقط یک نگاه به درویدوار کارخانه نندیده متوجه میشود که بیرونی آن نوشته "مرک بر ما متور . . ." سودای بازگرداندن عناصر مزدوریکی از دسته گلهای شورای کارخانه بود ، بکنده دیگری که باید ذهن ما را در بارها این شورا نگران ترکند سخنان آقای احمدی یکی از نمایندگان شورا در تاریخ چهارشنبه ۵۸/۹/۲۱ میباشد . آقای احمدی در عوض اینکه مشکلات اصلی کارگران را بررسی کرده و از آنها نظرخواهی کند ، میگوید "با بدسی کنیم که هر چه بیشتر تولیدمان را زیاده تر کنیم تا از این طریق بتوانیم خواسته هایمان را بگیریم چون با کم کاری و اعصاب تولید کم میشود ما نمیتوانیم بر آنها (کارفرما) سوار بوده و خواسته هایمان را بگیریم" . آقای احمدی بزبان چکسانی سخن میگویند ، و طرف چه کسانیکه را میگیرند . ما کارگران زمانی دست به اعصاب و کم کاری میزنیم که درخواستهای مکرر ما از کارفرما با همین کشته شما یعنی "بیشتر کار کنید" پاسخ گفته شده و هیچ ترتیب اثری نخواسته ایمان نداشته اند ، سرمایه داران با نندازه کافی سرما کارگران کلاه میگذارند شما آقای احمدی لطفاً این کلاه را کشا دتر نکنید ، کارگرتنها فروشنده ای است که کالایش یعنی نیروی کارش را قبل از آنکه قیمتش را (یعنی دستمزد) را دریافت کند آنرا در اختیار سرمایه دار قرار میدهد . آقای احمدی متاسفانه شما منطق سرمایه داران بسا کارگران سخن میگویند و بی نظری آف به آسیا با این وابستگان به امیریا - لیم میریزند .

دوستان کارگر ، این فقط شورای کارخانه ما نیست که اینچنین عمل کرده و اینگونه موعظه های برای خام کردن ما کارگران میکند . در بسیاری از کارخانه های ایران و از جمله خود همین استان فارس ما شاهدیک چنین شورا های فرمایشی بوده و هستیم که در بعضی جاها ما سندسیمان فارس ، آزما - پیش ، ... با مخالفت شدید کارگران مواجه شده و برخی نیز منحل گردیده اند . شورا های فرمایشی کنونی که میخواهند منافع سرمایه داران و هم با اصطلاح "منافع" کارگران را حفظ کنند بدردمس ..... (بقیه در صفحه ۷)

اخبار کارگری

اطلاعیه گروهی از کارگران کارخانه نساجی اصفهان و حومه

برادران کارگر:

در چند و چند ماه است که دیپلمه‌های بیگا روسا بر سر کاران هر روز بی... اسناداری مراجعه میکنند، به امید اینکه مقام مسئول بتواند کار را برای آنها دست و پا کند ولی استانداری و مقامات دست اندر کار هر روز آنها را سر دوا شده و این دست و پا کردن دست میکنند، بالاخره بعد از مدت‌ها در یکی دو هفته پیش فرا بر اساس سده تعدادی از برادران دیپلمه بیگا را نامنویسی کرده و جهت استخدام به کارخانه‌ها معرفی نمایند. به همین منظور از هر کارخانه خواهسته سده در حدود ۵ نفر دیپلمه را استخدام نماید. اما کارخانه‌ها را با این طرح مخالفت کرده و گفتند که ما احتیاج به کارگر نداریم و نمی‌توانیم اینها را استخدام کنیم.

بدنبال این ماجرا مقامات دولتی و کارخانه‌ها را ن تصمیم گرفتند که بجای استخدام دیپلمه‌های بیگا در کارخانه‌ها از حقوق ما کارگران مساهی بکروزمکنند و از باب آن وام به بیگا را ن دهند. در حالی که هر روز از طریق رادیو و تلویزیون تبلیغ میکنند که قییمت نفت چقدر افزایش یافته و با اینکه در حدود نفت چندین برابر سالهای گذشته شده است و از این جور حرفها . حال ما میسریم با توجه به اینکه قییمت مروس نفت افزایش یافته و دیگر به اصطلاح سول نفت به جیب ما میریایست و سزما به داران خارجی نمی ریزد، پس به حسه مصرفی مسرد، اینک که مبارزات مردم بر علیه امبریا لیسیم چنانکا رآمریکا وارد مرحله راهی شده است، اینک که ما مردم بخصوص کارگران نه تنها خواهان بازگرداندن سا و خا نواده اس و اموال آنان بلکه خواستار افشای و الفای کلیه ترادادهای شاه و دولت موقت با آمریکا، ملی کردن کلیه سرما به های خارجی بخصوص آمریکا، اخراج کلیه جا سوسان و کارشناسان آمریکا می و تمعیه و پاکبازی در کلیه ارگان کشور و مصادره املک مال السکین بررک و مفودا لیا و سرما به داران وابسته میسیم، چرا مقامات دولتی تنها در حرف به ما رزه خدا میریایستی میگردانند و در عمل دست به سیا و سفید نمی زنند؟ چرا به این خواسته های انقلابی عمل نمیکنند تا بتوان بدنبال آن به این بحران بیگاری که ما مجامع ما را فرا گرفته است پایان بخشید؟

کارخانه داران و مقامات دولتی میخواهند با کم کردن پول از حقوق ما به این بحران پاسخ گویند در حالی که می دانیم که در تمام کارخانه ها هستند کارگرانی که ما به کار آنها بیشتر از ۳۰ سال است و دیگر بیرو فرسوده شده اند ولی آنها را با رنست نمیکنند و این حیل های است که کارفرمایان با همدستی وزارت کار و بیمه های اجتماعی برای بهره کشی بیشتر از ما کارگران نکسار میسرنند. آنها نبود مواد خام را دلیل آورده و میگویند نمی توانسیم کارگر جدید استخدام کنیم در حالی که همین هفته گذشته بعضی از کارخانه ها با بکار نداشتن ماشینهای جدید فندکی و ریستنگی بجه های خردسال را استخدام کردند. حال ما میگوئیم و لایهی وجه سبب اید از حقوق ما کم شود، ما نیا با با زشت کسردن برادران سالخورده ما که سابقه کار زیاد دارند و حقوق بیمه به آنها تعلق میگیرد و با بکار نداشتن دستگاه ها می که خوابیده و کار نمیکنند، میتوان و با ایداز برادران دیپلمه ما استخدام بعمل آید.

برادران کارگر، منحنه با طرح خواهسته های فوق در جهت مبارزه خدا میر- بالیستی و افشای سازکاران و دغلکاران بکوشیم.

از حقوق کارگران بیدکم گردد. کار برای بیگا را بجا بدکورد.

عده ای از کارگران کارخانه های نساجی اصفهان و حومه ۵۸/۱۰/۴

ها تعدادی از آنها توسط پاسداران دستگیر و زندانی شده اند.

\*\*\*\*\*

۴ - در هفته گذشته عده ای از افسران و درجه داران سوخا نه با دکسان مرج آب ادا صفهان بمخالفت با اعزام مجدد آنها به کردستان و بلوچستان در محل سا دکان تحمن نموده و شعارهای بر علیه حمران و ویردفاع دادند.

نگاهی سرامون ....

با نادر دکانی ارجحیه، حیره کنی و کار داسی بر جورداری بوده تا حنا بعد... مسکلی بر جوردار میسند روی خط صحیح حرکت نموده و به "جی" و راست منحرف سوبد.

ساست و حظ می که سرسندگی ما حکم فرماست با سدیک سیاست و حظ می انقلابی، دموکراسیک و مدامبریا لیسسی اردیدکا ه طبیفه کارگر با ندنا در بر تو آن سطح آکا هی سیاسی ما کارگران بالارسد و ما را برای مبارزه سیاسی آماده سارد. در این صورت است که مبارزه سیاسی و انقلابی کارگران بسا ارجاع و امبریا لیسیم چنانکا رآمریکا و دولت سازشکار آنان و دستخاب فرارن میسوا ند به سروری برسد.

اکنون که همه متا رره دلیرا به مردم بر علیه امبریا لیسیم چنانکا ر آمریکا و مبارزات حق طلبانه خلق فهرا مان کردسان یک بار دسکار ارجساع منور به عفت نسسی کسه و زمینه مسا عدی برای شکل مجدد ما کارگران فراهم شده است، سادکه در جهت درس گیری از گذشته عمل نمائیم و سدیکای خود را از ساه صورت یک سکر مبارزاتی با رساری کنیم. از اینرو ساید:

۱ - از طرفی شرکت مسفل و بیکسرد در مبارزات مدامبریا لیسسی مردم رسالت تاریخی خود را ساسان دهیم.

۲ - نسبت به مسائل جامعه حساسیت ساسان داده و از طریق منالعه سربان کارگری و انقلابی آکا هی سیاسی خود را از این دهیم.

۳ - ساهمه عنامبریا لاسی در رهبری سدیکا افدا مبه ا بجا دسک رهبری که نسبت یوظا بت خود در رسال سدیکا مسعه بوده و سبت کار در سسی در بیسرد امور ا سده ساسان بنما سیم.

دوسان کارگر، ما در ساره های بعدی ناصبر سعی حوا هم کرد که مسائل و مشکلات درون سدیکا را بطور همه جا سبده ای سررسی کنیم.

نعل ار "سامر" - سر به کارگری اصفهان

اخبار کوتاه اصفهان

نعل ار "سامر"

۱ - رور دوسنبه ۵۸/۹/۱۲ حدود ۳۷ نفر کارگر گروه دغال سنگ کارخانه قندا صفهان، مسفلت کمی دستسرد بطوریکه ا رجه دست به اعتصاب زدند. پس از اعتصاب کارگران، عوامل کارفرما بدست و پا افتادند و کوشیدند با جمع آوری بعضی کارگران فسمتهای دیگر، اعتصاب کارگران را سا سکت روبروسا زسند. اما کارگران ساسا د خود کارفرما را مجبور کردند که روزا نه بهر نفر ؟ ریال اما حقوق بدهد.

\*\*\*\*\*

۲ - رور جمعه ۵۸/۱۰/۷ در حدود ۱۵۰ نفر کارگران شرکت س ک م (؟) بدنبال مبارزاتی که بجا طرسکیل شورای کارگری داشتند به خا به کارگر آمده و رسا بسدکان سدیکا خوا سندنندتا در مورد چگونگی تشکیل شورا بسورای آنها توضیحاتی بدهند. ساه بسدکان ابتدا در باره اتحاد و همبستگی کارگران در مبارزات ساه و سس ارمبارا بکارگران دیگر و تجریا با آنها برای کارگران صحبت کسردند.

\*\*\*\*\*

۳ - در حده هفته گذشته عده ای اردیپلمه های بیگا رجهت رسدگی بسسه و سسان هر روز به اسناداری مراجعه مسکردند ساهلکه برای آنها کاری دست و ساکند، اما مقامات اسناداری به این حواس برحق آنها جوابی نمی - دادند و آنها را بر میدواسند. سهمین مسطور دیپلمه های بیگا ر چندین بار دست به سظ هراب و راه سمانی رده و خواه سار کار شدند. در یکی اراب س، اسمانی-

# حقیقت

تشدید بحران ...

نظام سرمایه‌داری و رویزیونیستی جهانی را تشکیل میدهد. بحران اقتصادی - سیاسی موجود در این جهان موجب شده است که نژاد درونی این نظام اوج بیشتری گرفته، هر دسته از گروه‌بندیهای امپریالیستی در درجه اول در پی منافع "خودی" باشند. اوج کساد ی دریا زار سرمایه، سقوط سرمایه‌آوارز در دلاز، تورم عیان گسیخته و بالاتر از همه رشاد گاهی و مبارزات مردم مستمیده، همه امپریالیستها و جها نخوانان بین المللی را بوحشت انداخته و یک رقابت جنون آمیز و دسته بندیهای متخاصم را به بار آورده است.

روسیه امپریالیستی، با بهره گیری از تضعیف نفوذ امپریالیسم آمریکا در منطقه - که انقلاب ایران اساسی موجب آن را بوجود آورده است - دست به یک تهاجم سبانه نظامی به افغانستان میزند. و در عین انجام یک کودتا در افغانستان و سرکوب مبارزات مردم بین کشور، موقعیت نظامی خود را به نحوی تحکیم می بخشد تا بتواند به منطقه خلیج فارس و منابع سرشار نفتی آن و امکانات سوق الجیشی آن نهایت استفاده را ببرد. هم اکنون نیروهای شوروی در ۵۰۰ کیلومتری آبهای گرم دریای عمان واقیانوس هند قرار دارند، و در صورت سقوط پاکستان به نفع شوروی، امکانات بسیاری را برای کنترل کل منطقه از سوسی شوروی بوجود می آید. در عین حال، ناوگان دریایی شوروی در اقیانوس هند خود را تقویت کرده و اخیراً از امکانات بتدری جزیره سوکورتا (متعلق به یمن دموکراتیک) بسر خود را تمییز کرده. پایگاههای هوایی دراتیوی، افغانستان و ... سکوهای دیگری خواهند بود برای کنترل نظامی کل منطقه و در عین حال پیش درآمدی برای تحکیم پایگاههای تجاری در جنگ آتی امپریالیستی. امپریالیسم آمریکا در اتحاد عمل با سایر امپریالیستهای ریز و درشت اروپایی و ژاپنی و نیز چین رویزیونیستی، طرف دیگر جبهه درون امپریالیستی را تشکیل می دهند. این واقعیتی است که به یمن

انقلاب ایران و تکامل ضد امپریالیستی آن، و نیز اوج گیری مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی خلفهای منطقه، امپریالیسم و بیوزنه آمریکا را در این منطقه تضعیف نموده است. آمریکا دیگر درای ناگه -

های عربی و طویل خود رزم سر برده ای چون شاه ایران در اختیار ندارد، به عوض، مردم ایران با انقلاب خود توانسته اند موج عظیمی از احساسات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی را در میان مردم کشورهای همجوار بسازند، امپریالیسم آمریکا نیز که در برنا مد کنترین نیکسون خود بطور کلی شکست خورده است، هر روز بیشتر و بیشتر به حضور مستقیم نظامی در منطقه دست می یازد. نگاهی به تحولات اخیر منطقه گواهی است بر این مدعا.

۱ - در ترکیه، ثبات سیاسی وجود ندارد، مردم ترکیه به مبارزات خود شدت می بخشند و هیئت حاکمه وابسته تا در به کنترل اوضاع نیست. کار در رهبری نظام میان ترکیه اخیراً اعلامیه ای صادر کرده اند که در طی آن با هشدار به رهبران دولت پیرسون اوضاع نامساویان ارتجاع در ترکیه، امکان روی کار آمدن حکومت نظامی را متذکر گردیده اند. در عین حال امپریالیسم آمریکا در طی همین هفته مشغول امضاء قرارداد نظامی با ترکیه است تا نفوذ نظامی خود را در آن تحکیم بخشد.

۲ - در عراق جنبش خلقهای عراق بر علیه فاشیستهای بعثی اوج میگیرد. مردم شیعه عراق با الهام از انقلاب ایران و نیز خلق دلاور کرد با بهره گیری از تائیدات شکر انقلاب ایران، به مبارزات ضد ارتجاعی خود شدت بخشیده اند. دار و دسته حاکمه بعثی، برای حفظ موقعیت متزلزل خود با امپریالیستهای غربی نیز وارد مذاکره گردیده و روزنامه ها خبر امکان استفاده امپریالیسم از پایگاههای هوایی عراق را میدهند.

۳ - در عربستان، جناح بندیهای حاکم خاندان آل سعود مرتجع، به جان هم افتاده اند، توده های مردم، بیوزنه کارگران بخش صنایع نفتی، به مبارزه گسترده ای بر علیه دار و دسته حاکم وابسته به آمریکا برخاسته اند. امپریالیسم آمریکا قویاً از رژیم سعودی پشتیبانی میکند تا مهمترین پایگاه ارتجاع منطقه را حفظ نماید. پایگاههای سعودی نیز تماماً و کاملاً در اختیار

آمریکایان قرار دارد.

۴ - تمام محکام مناطق شیخ نشین خلیج فارس در رعب و وحشت روز افزونی به سبب انقلاب ایران بسر می برند. وضعیت اینان نیز شدیداً متزلزل میباشند و تنها امیدشان به حضور قوای نظامی آمریکا در منطقه است. موقعیت اینان را، حفظ نماید.

سلطان نشین عمان نیز که در سرپرستی به امپریالیسم آمریکا و انگلستان نمونه است، اخیراً یک مجددی بر اجازت استفاده آمریکا و انگلیس از پایگاههای نظامی عمان نموده است. لرد گرینگتون - وزیر امور خارجه انگلیس در سفر اخیر خود در این منطقه - کوشش نموده است تا مرتجعین محلی را به گردیک سیاست واحد نوکری برای آمریکا و انگلیس متحدم نماید. هیئت های نظامی - سیاسی آمریکا و انگلیس در این منطقه مدارج ارتداد هستند و شرایط برای گسیل نظامیان آمریکائی و انگلیسی فراهم می نمایند.

۵ - روزنامه ها مداد، ۲۵ دی ۵۸، به نقل از رود ویچ ما یونگ آلمانی، نوشت که "سادات رئیس جمهور مصر و بیگین نخست وزیر اسرائیل قبلاً آمادگی خود را برای این منظور (استفاده از پایگاههای نظامی توسط آمریکا - حقیقت)" اعلام کرده بودند. "و همین نشریه از قول توماس راس، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا مینویسد که او "اعلام کرده است که سوماتی، کنیا و سلطان نشین عمان از هم اکنون آمادگی کامل خود را برای در اختیار گذاشتن فرودگاهها و بندرگاههای خود به ارتش آمریکا در صورت لزوم" اعلام کرده اند.

۶ - دولت ضیاء الحق پاکستان نیز که از یک طرف با خطر حمله شوروی و از سوی دیگر مورد نفرت شدید و آماج حمله مردم پاکستان قرار دارد، دست به دامان ارباب خود، آمریکا شده و "اختلافات" قبلی را کنار گذاشته است. آقا شاهی، یکی از سرمدمداران دولت ضیاء الحق اخیراطی سفر خود به آمریکا، از کارتر قول مساعدت و کمک نظامی فراوانی را گرفته است و کنگره آمریکا نیز تحریم نظامی پاکستان را لغو و مقادیر زیادی اعتبار نظامی در اختیار دولت پاکستان قرار داده است.

۷ - حضور مستقیم نظامی آمریکا - یکا در دریای عمان و اقیانوس هند نیز مرتباً تقویت میگردد. اخبارنا و عظیم دریایی اتمی "نیمتاز" بسوی

دریای عمان به حرکت افتاده است. و جزیره دبه گوکارسیا نیز مرتباً ناظر بر تقویت نظامی آمریکا می باشد.

۸ - روی کار آمدن خانم گاندی، بعنوان نخست وزیر نینیز، عامل دیگری در جهت تقویت توازن قوا به نفع شوروی به حساب می آید. کابینه های قبلی حاکم بر هندوستان قبلاً سیاست های هواداری از منافع غرب و به ضرر شوروی را تا کنون به پیش گرفته بودند. روی کار آمدن گاندی نیز به بحران منطقه با توجه به تقاضای میان پاکستان و هندوستان نیز می آید.

۹ - در کنارتما می اقدامات توطئه گرانه فوق، موج تبلیغاتی امپریالیستهای آمریکا می و متحین آن از یک سو و تبلیغات مزورانه شوروی و ایدایش از سوی دیگر، به اوج نوینی رسیده است.

هر دو ابرقدرت و ایدایشان برای یک دیگر شاخ و شان می کشند. کارتر جنایت پیشه دم از "نقض قوانین بین المللی و منشور سازمان ملل" توسط شوروی میزند و آنرا متهم به "خدا نشناسی" و دروغ گوئی مینماید. و از طرف دیگر فریاد میزند که آمریکا برای حفظ منافع خود "ناگزیربه اقدامات لازم - منجمله عملیات نظامی - برای حفظ منطقه آبهای جنوب غربی است." روسها نیز با سوء استفاده از احساسات ضد آمریکائی خلقهای منطقه دری آنند که حملات امپریالیستی وسیطه جوانه خود به افغانستان را "به نفع" و در "خدمت" خلقهای منطقه جای زنند. آنچه که از مجموعه فوق بر می آید، اینست که:

۱- ایران در یک محاصره ارتجاعی امپریالیستی توسط دو گروه بندی آمریکایی و روسی قرار گرفته است، و هر دو این محاصره تنگ ترمی گردد.

۲- دوا بر قدرت آمریکا و شوروی - به همراه متحین خود - در بی تقسیم مجدد مناطق نفوذ خود می باشد.

در آغاز این نوشته گفتیم که دو گروه بندی در منطقه بوجود آمده و برای انقلابیون ایران لازم است که خط فاصل روشنی بین این دو جبهه که یکی امپریالیستی صرف است و دیگری در برگیرنده جبهه خلق و در مبارزه علیه امپریالیسم، کشیده شود.

اگر توجه کنیم، هر دو ابر قدرت و متحین نقشه در صفحه ۷

حزب جمهوری ...

با یک استحاله مسالمت آمیز، یک کودتای آرام، دوباره قدرت از دست رفته و ضربه خورده را با زیاده و یا با درهم شکستن صفوف جنس مردم و کشتن نندن آن به کوره راههای بن بست، شور و توان انقلابی مردم را تحلیل برده و آنگاه با استفاده از ارتش آمریکایی هنوز موجود، با یک کودتای خونین، بساط فاسم و دیکتاتوری

این حزب ورهبر غیر رسمی اش یعنی شریعتمداری را بیشتر با زمین کنند. مردم دلبر و قهرمان آذربایجان که همواره بر جملات رهنهت های آزادیخواهان و استقلال طلبان مردم آذربایجان بوده اند، باید با روشن بینی عمیقی سره را از نسا سره جدا کرده و نقشش و ماهیت واقعی کسانسی چون شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان را که در ظاهر سنگ مردم آذربایجان را به سینه میزنند بدرستی تشخیص دهند.

اخبار کوتاه

به اخراج ۸ نفر از همکارانشان توسط کارفرما دست از کار کشیدند. ناظمی که یکپارچگی کارگران را دید، تهدید به تعطیل کارخانه نمود. بهانه همگام امروز کمی بود مواد اولیه است. کارگران در مقام مبارزه سر آمده، پس از اخراج مزدوران ناظمی بر سر راه گروگان گرفتند. ناظمی که هواریان دیده بود روز چهارشنبه با دو نفر از ماموران وزارت کار و آلودگی بنا میکانی از صدقه بگیران کرج برای مذاکره وحل و فصل قضا به کارخانه میاید.

کارگران موقع را مغتنم دانسته و جلسه را تبدیل به محاکمه ناظمی میکنند. ناظمی در این محاکمه افساء شده و با هر چرندی که در دفاع از خود میگفت، باعث خنده همگامی حاضران حتی پسرش میشد. کارگران حل قضا با را منوط به برآورده شدن ۹ خواسته مترقی خود کردند. شورای متحد از کارگران پشتیبانی کرده بود.

تهران - بعد از ۲ روز که از تحمیل کارگران ما رزوا انقلابی کارخانه ناظمی میگذرد هنوز هیچ حواسی از دولت نرسیده است و کارگران سکایتی راه کمیته مرکزی. دادستان انقلاب و ضایع و معادن فرستادند. از طرف شورای متحد خدندن از نمایندگان و اعضای شورای همستگی به کارخانه ناظمی میروند ولی ناآقای موسوی روبرو میسوند و آقای موسوی میگوید که اینها شما را از بیرون تحریک میکنند و نمایندگان شورای متحده دسور موسوی دستگیر میشوند و به کمیته مرده مسود و سه سه سه ساواک از آنها ساوحتی میشود. کارگران ناظمی با اطلاع از این قضیه کمیته رهنه

اهداف واقعی ...

چندین میلیون رای به نیرویی که میبایستی چه از طرف رقیبانش در هیئت حاکمه، و چه نیروهای سیاسی رویش حساب شود، درمی آید. همین فردای انتخابات است که این ستادهای انتخاباتی به شبهه های حزبی تبدیل شوند، و حزب مدنی آنگاه ادعای چندین میلیون " پایه توده ای" را خواهد کرد. و با استناد به این " پایه توده ای" به امتیاز گرفتن و تحمیل سیاستها و برنایها پیش خواهد برداخت. پس از انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای ملی فرا خواهد رسید، و آنگاه نمایندگان حزب مدنی از گوشه و کنایه مملکت سر برخواهند داشت، و با لطمع، به فراکسیونهای در درون مجلس شورای ملی بدل خواهند شد، که زیر پرچم دریا در مدنی و بهتر بگوئیم زیر پرچم امپریالیسم و ارتجاع سینه خواهند زد. دریا در مدنی دروغ میگوید که اگر انتخاب نشود به کرمان خواهد رفت، به پیچوجه چینی نیست. ایشان تا زمانی که کمالا در عرصه مبارزه شکست نخورند و بی آبرو نگردند، و آنهم بوسیله نیروهای انقلابی، از صحنه بدر نخواهند رفت و اتفاقا امیال و اهدافی شوم تر در سر دارند.

انتخابات برای ریاست جمهوری، عرصه ای از مبارزه است، ولی همه میدانند که مبارزه طبقاتی با این انتخابات بیایان نخواهد رسید. این راهم نیروهای انقلابی میدانند و هم نیروهای بینا بینی و هم نیروهای ارتجاعی. حتی با همه تبلیغاتی که هیئت حاکمه سر داده است که این انتخابات جمهوری اسلامی را " تشبیهت" میکند، خودشان هم میدانند که با این انتخابات هیچ چیز تشبیهت نخواهد شد و بخاطر همین امر همه بسیار و یا رکشی پرداخته اند و از این انتخابات برای جمع آوری شیوه نامه شدن در مبارزات آتی استفاده میکنند.

و این نیز یکی از دلایلی است که نیروهای انقلابی نباید استیازکنار این انتخابات سرسری گذشته و باید فعلا لانه در جهت آگاهان نیدن مردم و تقویت صفوف انقلاب در پروسه همین انتخابات بکوشند. با افسای چهره های پلیدی چون مدنی، تا آنجا که میتوانند آنان را رسوا کرده و امیدهای آنان را به یاس تبدیل کنند.

نیروهای کمونیستی نسبت به اینگونه انتخابات بی تفاسوت نیستند، نیروهای کمونیستی در مبارزه ای که بین طبقات بینا بینی و ارتجاعی مورت میگیرند بی تفاوت نبوده و باید بروی آن تا شیر بگذارند و از همین زاویه نیز باید این انتخابات ببینند.

و بعد از ساعت ها که در آنجا ماندند و شعار دادند با لاجرم کمیته را مجبور به آزادی نمایندگان شوراهای متحد کردند. در ضمن کارگران مبارز این کارخانه برای دومین بار عوامل به جبهاتی" کف در اسون کارگران ایران" و آقای ربیعی رئیس گانگسترهای کانون شوراهای اسلحه می را از کارخانه بیرون انداختند.

تهران - روز دوشنبه ۳ دی ماه کارگران کارخانه ووزنه مبارزه خود را برای بازگشت ۱۲ نفر از همکاران اخراجی و پرداخت سود ویژه و حقوق سه ماهه عقب افتاده سر علیه کارفرما شروع کردند. این مرکز صنعتی قبلا در حدود ۳۸۰ کارگرداشت ولی اکنون ۱۷۴ کارگردارد.

کارفرما برای ایجاد تفرقه ما بین کارگران و برهم زدن یکپارچگی شان حقوق و مزایای ۸۰ نفر را پرداخت و بقیه را به بنها نسه نداشتن پول و عدم فروش کالاهای پرداخت ننموده است. وزارت کار دولت " انقلابی" به کارفرما تو

صیه کرده که در صورت نبودن کارمی تواند کارگران را اخراج کند. حالا میشود فهمید دولت " انقلابی" در حقیقت در خدمت کیست. تهران - روز ۸ دیماه حدود ۵۰۰ نفر از کارگران بارس مثال پس از اینکه برای دریافت سود ویژه به وزارت کار مراجعه کرده و نتیجه نگرفتند ساعت ۹/۵ صبح دست از کار کشیدند. کارفرمایان این کارخانه یعنی " آزادیان و تحصیلی" طبق تصویب دولت ووزارت کار میخواستند سود ویژه را بر منای مزد کارگران در سال ۵۶ بپردازند. اعتصاب کارگران در ساعت ۱۲/۵ با گرفتن قولیکه تا روز دوشنبه ۱۰ دیماه حق آنها را بدهند به اعتصاب خود پایان دادند. کرج - کارخانه قزل با فدر زندان قزل حصار کرج است. تولید آن که پتواست در خدمت ارتش گذارده می شود. قبلا زندانیان این کارخانه را میجر خاندند بعد ها عده ای راهم از بیرون بقیه در صفحه ۷

# حقیقت

## حزب جمهوری ...

از بولتن ویژه ساواک، درباره نتیجه ملاقات و مذاکره با آیت الله شریعتمداری در تاریخ ۵۷/۷/۱ نقل شده از ضمیمه "کار" (۴۱).

جملات بالا نقش و وظیفه آیت الله شریعتمداری و بسیاری از همپالکی های وی را در دوران انقلاب ایران آشکار میسازد: ماسک "مخالف" و "ابوزیسیون" را در مقام بل رژیم شاه به چهره کشیدن برای حفظ تاج و تخت محمدرضا شاه!

این سیاست، سیاستی قدیمی و کهنه شده است. ولی همواره از طرف امپریالیسم و ارتجاع مورد استفاده قرار میگیرد. در دوران اعتلای انقلابی، در دورانی که امپریالیسم و ارتجاع از سوی حسن و سید توده ای و انقلابی تحت ضربات شدید قرار میگیرند، و امپریالیسم تمامی وجودش را در یک جا معده در خطر از دست رفتن میبیند، عده ای وجیه المله را با ماسک "آزادخواهی" و "دمکراسی طلبی" و "لیبرال منشی" به میدان میفرستد تا آنها بپرچم "میانروی" را بلند کنند تا توده را بزیار این پرچم پوسیده و رنگ بر رویا فخته کشیده و از ملایت انقلاب مزیم بکاهند، دقیقاً بغا طرانکه سیستم ارتجاعی را نجات داده و بقای آنها را تضمین کنند.

بر مبنای همین سیاست بود که بناگاهان فاشیست های بنا می چون پزخکپور و حزب پان ایرا نیست اش بنظری " مخالفان " با علیحضرتشان را بگذاشتند " دیکراسی طلبی شدیدی " بر این عده من منظور بود که ناگاهان احمدینی احمدی که از طرف حزب گذاشتی و فاشیستی رستاخیز نما بنده مجازین و منشی با زی " علیحضرت هفتابونی " گرفته شده بود " مدافع " قیام خونین مردم فهرا من سرسر در بهمن ۱۳۵۶ میگردد. همه این مضحکه ها برای آن بود که امیرا لیسیم و وجیه المله های را بسازد و بوده را زیر پا ل و بر آنها هل دهد، تا در موقع مناسب از اس وجیه المله ها و توده با آکا در بر حضان برای مفاد سوم خود، و برای استوار ماندن و کابل دیکتاتوری و فاشیسم بپرورد میکرد.

آیت الله شریعتمداری به خوبی نشان داده است که با استفاده از موقعیت خود بیگانه به یک مرجع مذهبی برای بخشی از مردم ایران، دقیقاً در خدمت به این سیاست امپریالیستی و ارتجاعی گام برداشته است. آیت الله شریعتمداری در شب ۱۳۵۷ هنوز در فکر " حفظ تخت و تاج " بود، ولی دیگر خیلی دیر شده بود و با همه دلگرمی ها که حکومت نظامی آمریکا - دربار دردل وی ایجاد کرده بود، توده های خشمگین بساط سلطنت را در هم پیچیدند.

امپریالیسم و ارتجاع، دقیقاً بخاطر سازش ناسذری حبس توده ای و انقلابی مردم سرر مسئله شاه و سلطنت، سواستند خط " ماسک ندروی " را که در آن موقع معنایی بحزب سلطنت در جها رحوب قانون اساسی نداشت در درون توده مردم رسوخ دهند، اگر چه عناصر وجیه المله ای چون آیت الله شریعتمداری و احزاب لیبرالی چون نهضت آزادی و وحیبه ملی و ... طرفدار آن بودند. ولی امپریالیسم و ارتجاع تا یک صرسه، اگر چه صرسه ای سهمگین چون بر افتادن بساط سلطنت محمد رضا پهلوی، از میدان بدررفتند و هرگز نیز نخواهد رفت. امپریالیسم و ارتجاع به مرکب سازشکاری و ماساژات جویی جریانات بورژوازی و خرده بورژوازی متنفس در جنبش، بسیاری از ارگانها و بیایگه های خود را در درون جا معده حفظ کردند و دوم چنین به مشکل کردن صفوف در هم ریخته خود همت گماشتند.

امپریالیسم و ارتجاع در این دوران، با تائیدات لیبرالها و سازشکاران، به بازاری ارتش یعنی ارگان اصلی ضربت خورد مشغول گردیدند. شبکه های جاسوسان امپریالیسم به رخنه و نفوذ در درون دستگاه های حکومتی در ساطوح معقول شدند، از سخنکوبی دولت موقت " انقلاب " گرفته تا کمته های شهرهای مختلف، سکه مردوران ساواک هم حبان وجود اسد و کارخانگی کسند که سواستند در یک ساعت و یک روز معس همگی در مقابل حسد و برتری امتحان کنند، آیمیدرست گما در ارتجاعی پس!؟ در چندین سال امپریالیسم و ارتجاع سعی در سازشکردن کرد و نیز حسد و برتری خود کند و خسته بر رده های خود دارد.

چون " اتحاد برای آزادی " که دارو دسته احمد بنی احمد میباشند، روگردن چهره های " قاطع " و " اسلام پناهی " چون احمد مدنی که در ارتش شاهنشاهی در عرض ۹ سال ( از ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰ ) از سازش و سواستی به دربار داری ارتقاء یافت ( با همه " ماسک رزات " بی امانی که بر علیه شاه انجام میداد ؟! ) دقیقاً بغا طرایین هدف صورت میگیرد.

در این میان احزاب لیبرال و سازشکار نقش ویژه ای را بازی می کنند. این احزاب و دستجات که سیاست غالب بر همگی شان، ضدیت با تعمیق و گسترش انقلاب میباشد، و در گذشته نیز همواره درسی اصلاحاتی در جها رچوب رژیم محمدرضا شاه می بودند، خیلی زود آلت دست سیاستهای امپریالیستی میشوند. بخاطر سازش فدا انقلابی حاکم بر این احزاب، در بسیاری مواقع هیچ گونه تعاقبات حدی بین سیاستهای آنها و سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی دیده نمی شود، و در بسیاری مواقع با احزاب و شخصتهای مرتجع در یک جبهه و در آنجا قرار میگیرند. دقیقاً بغا طر همسنگ همگونی و همروالی سیاسی میباشند که سواستند امپریالیسم و ارتجاع در آنها نفوذ کرده و تا بالاترین مدارج ارتقاء میباشند. نفوذ عوامل و ایادی امپریالیسم و ارتجاع در حزب جمهوری خلق مسلمان، بطوریکه در جلسات هفتگی این حزب در تهران عناصرشها نوپرستی چون محمود عنایت به سخن سرایی مشغول می شود و عده ای علناً از احمد بنی احمد و دسته " مرتجع " اتحاد برای آزادی دفاع می نمودند و ارتباط بسیار مستحکمی میان اس حزب و امپریالیسم بود. نفوذ آنها در " نهضت را دیگال " تا حد شیکه رهبران این گروه یعنی مقدم مراغه ای که در ارتباط نزدیک با آیت الله شریعتمداری، حزب جمهوری خلق مسلمان و دولت بازرگان بود، جاسوسان امپریالیسم آمریکا را آت در می آید. نفوذ آنها در " نهضت آزادی " با حاشیکه امپریالیسم و ارتجاع، به کمته مردم گیری و ارتباط آنها به سخنکوبی دولت موقت انقلاب میسازد. نفوذ آنها در حزب ایران با حاشیکه یکی از اعضای کمته مرکزی یعنی آقای رسول مهرمان بخاطر حضور عمومی در دوران نروا ترس محسب و حاشی در این حزب، آن استغنا می

دهد و ... فقط نمونه های افشاء شده و برملا شده این نفوذ وسیع عوامل و ایادی امپریالیستی در احزاب و دستجات لیبرالی میباشد، کار بدانجا کشیده شده است که امپریالیسم موفق شده است تا اینگونه احزاب را در جهت سیاست های خود بکارگیرد.

نکته ای را که باید در اینجا هشدار دهیم آنست که میبایستی بین نیروهای واقعی لیبرال و نیروهای مرتجعی که ماسک لیبرالی به چهره کشیده اند تفکیک قائل شوایین دو نیرو را نمیتوان با یک چوب را اند. نیروهای از قبیل حزب پان ایرا نیست، بسی احمد و اردوستان، حزب جمهوریخواه و ... بسیاری از شخصتهای مرتجعی چون محمود عنایت، امیرا نظام، مقدم مراغه ای و ... چهره خود را با ماسک " لیبرالی " و " آزادیخواهی " پوشانده اند، ولی در واقع مدافع و در پی استقرار یک دیکتاتوری فاشیستی نوع محمد رضا شاه هستند. چنانکه در دوران حکومت آن جلا، جوش و راجت شسته بودند برای " علیحضرتشان " کف میزدند. هما نظور که گفتم امپریالیسم همواره عده ای از اسن وحش المله ها را در جبهه اردت در مسان نوده و نفوذ میسازد. احزاب، دستجات و شخصتهای واقعی لیبرال بخاطر سیاست سازشکارانه خود و با نتیجه بنا نسایل شان برای سازش با امپریالیسم، در سیاست با نیروهای امپریالیستی همراه و همروالی می گردند. در حقیقت احزاب و دستجات امپریالیستی با ماسک لیبرالی، پلی میشوند برای کشاندن احزاب و دستجات لیبرال به سازش با امپریالیسم و ارتجاع! زمانیکه این همروالی و همراهی در سیاست عملاً تحقق مییابد و لا برای دورانی بسیاری از احزاب و دستجات لیبرالی در خدمت به سیاستهای امپریالیستی قرار میگیرند، تا آنجا در ظاهر تفکیک آنها بسیار مشکل میشود، ولی میبایستی این تفکیک صورت گیرد که ماساها از طرف بسیاری از نیروهای انقلابی اس امر ضروری می بدرد.

احزاب لیبرال امروزه در حقیقت سنا به جاده ماسک حرکت امپریالیسم و ارتجاع عمل میسازند. امپریالیسم با استفاده از سازش سازشکارانه و حاشی سنا آنها را سنا دنا موصافار آنها برای مفاد سوم خود، درسی است که در آن استغنا می

باشند. ( و بگذارد ما از این حرف نتیجه منطقی اش را گرفته‌اند اما فکتیم در نتیجه طالب آزادی های سیاسی منطبق با نیازهای آزادی رقابت سرمایه داری نیز میباشند. ) در نتیجه دعوی میان " انحصارطلبی " روحانیون و " آزادی " طلبی بازرگان منجر به برکناری وی شد. انحصارطلبی " زحمت " آنها را به تظہیر بازرگان رسانیده است ( همانطور که در گذشته در مورد بختیار چنین کردند ) .

دولت بازرگان سقوط کرد، زیرا قبل از هر چیز در میان توده‌های اعتبار شده بود و در عمل راهی برای ادامه کابینه‌ای وجود نداشت. در درجه دوم سقوط بازرگان ناشی از وجود تضاد در درون هیئت حاکمه بود و مضمون این تضاد نیز برخلاف آنچه " زحمت " می‌اندیشد، نه تضاد میان " انحصارطلبی " و " لیبرالیسم "، بلکه سازشکاری مغرور بازرگان با همه نهادهای بازمانده رژیم گذشته و تضاد نیروهای خرده بورژوازی با این نهادها بود و اگر سقوط دولت بازرگان به سقوط کامل او و کناره رفتن کامل او و سیاست او از قدرت سیاسی نیا انجامید، این از یک سوناشی از تزلزل همین خرده بورژوازی و از سوی دیگر حمایت همان انحصارطلبان مسلط بر " شورای انقلاب " از او بود. در نتیجه بازرگان نه تنها بسیاری از مهره‌های خود را حفظ نمود، بلکه به همراه خود دو نفر دیگر هم به " شورای انقلاب " بردو جا خوش کرد. پس می بینید که بازرگان نه تنها قربانی " انحصارطلبی " نبوده است، بلکه به لطف همین " انحصارطلبان " هنوز برای وجود می‌کند. " زحمت " در همین زمینه ترمعروف " تضاد میان مکتب و معمم " با بازرگان را تکرار می‌کند، می نویسد " روحانیون .... شرکت سائیرین راهم در حکومت خود نوعی کفر و ضدیت با " فلسفه توحید " تلقی کرده ... دینوری نخواهد بود که به دنبال بازرگان و بیزدی و بنی صدر که یک بیک از عرش به پائین آورده شده و به شخصیت درجه دوم در حکومت تنزل یافتند، قطب زاده و دیگر عناصر " غیر روحانی " هیئت حاکمه نیز تنزل رتبه پیدا کنند. و شواهد نیز گواهی این ادعا است ( همانجا ) . " زحمت " نه تنها در تئوری انحراف دارد، بلکه جمعا نش قابلیت دیدن " شواهد " را هم ندارد. یکی از این " شواهد " را مثال بزنیم که مضمنا مسئله روز نیست. اگر " زحمت " به خود زحمت داده، لیست پشتیبانان " روحانی " بنی صدر را برای ریاست جمهوری مطالعه کند، با نمونه‌های بسیاری از " جامعه روحانیت " مواجهه می‌شود که برخلاف تزیانان به بنی صدر " غیر روحانی " رای میدهند. " جامعه روحانیت اصحابان "، بخش مهمی از حوزه علمیه قم و مدرسین فیضیه، حنبلین آیت الله و حجت السلام، انجمن های اسلامی بسیاری از شهرها و مناطقی، و جامعه‌های روحانیت بسیاری از شهرها، تنها نمونه‌های از این لیست هستند.

چند که این روحانیون به بنی صدر " غیر روحانی " تمایل داشته، برخلاف ادعای " زحمت " پشتیبانی از این " غیر روحانی " را " کفر و ضدیت با فلسفه توحید " تلقی نمی‌کنند؟ یا اینان روحانی نیستند و صرفا برای رد گم کردن و ایجاد دردسر برای استدلال " زحمت " عمامه سر بسته اند و اسکاال درحای دیگریست. مطمئنا در روحانی بودن اینان شکی نیست و جواب مسئله را با دیدن درحای دیگری جست. جواب اینست، مبارزه و مناقض طبقه‌ای معمم و مکتب بر نمی‌دارد. منافع طبقه‌ای به دنبال کلاه و عمامه نیست، بلکه این کلاه و عمامه مانده هر کجا منافع طبقه‌ای تیشان حکم کند می‌روند. برای مثال یک روحانی مرتجع همبستگی اش با یک غیر روحانی مرتجع به مراتب زیادتر از نزدیکی اش با یک روحانی مترقی و حتی بی طرف و غیر مرتجع است، زیرا منافع طبقه‌ای تعیین کننده هر حرکتی است.

تزی " روحانیت واحد " نتیجه‌ای مگر باک کردن مرزهای طبقه‌ای ندارد و لازمست همین جا گوئیم که هر کس، به هر عنوان این مرزها را باک کند، حراز " جب " باشد و چه از " راست "، نتیجه‌ای مگر خدمت به بورژوازی با رنخواهد آورد و وقتی کسانی تضادها معما و انقلاب ما را با " جامعه روحانیت " و " حکومت آخوندها " مبداء کنند، نه تنها بیگانه‌گی خود را با مسائل این انقلاب و تضادهای واقعی آن آشکارا خسته‌اند، بلکه در عمل آب به آسیاب دشمنان این انقلاب می‌ریزند.

سخنی با ... نتوانند همه آن روابطی که وابستگی به میریالیسم به بقای آنها بستگی دارد از میان بردارد. آیا شما غیر از طبقه کارگر نیروی را درجا معمو و تاریخ سراغ دارید که این " معیارهای واقعی " در باره اش صدق کند؟ آیا کسی جز طبقه کارگر که در راست آنچنان خط مشی و برنامه‌ای را ارائه دهد که همه روابط وابستگی به میریالیسم را از میان بردارد و به حق مردم در تعیین سرنوشت خویش عقیده داشته باشد؟ بر مبنای این " معیارهای واقعی "، روحانیون که هیچ، دهقانان و خرده بورژوازی و خلاصه هیچ کس جز طبقه کارگر نمی‌توانند تضاد میریالیست باشند. در فرهنگ سیاسی به این قبیل اظهار فضل کردنها میگویند ترمسکسم. " زحمت " پس از ترمسکسم " داینها نایین " معیارهای واقعی " اعلام میدارد که برخی از نیروهای جنس کمونیستی این معیارها را در نظر نگرفته و " لغاظیهای " روحانیون را کافی دانسته در کارزار " تحمیق مردم " شرکت می‌جویند. اگر منظور " زحمت " از این نیروها، یکی هم ما باشد، باید بگوئیم که برای ما جای بسی خوشبختی است که نتوانسته ایم این " معیارهای واقعی " را درک کنیم.

شما می‌گوئید، اینان " بجای متحد کردن مردم، بجای ترمسکسم آزادیها و بجای دادن حق تعیین سرنوشت به مردم، از سیاست قدیم سی تفرقه بینا ندانند و حکومت کن " پیروی میکنند. " (همانجا) و در نتیجه نمی توان غذا میریالیستشان خوانند. و بعدا فاقه می‌کنید فقط در شرایطی حاضرید به اینان ( خمینی ) لقب ضام میریالیست بدهید که علاوه بر اجرای خواسته های بالا، یک برنامه هم داشته برای رها نشی بنیادی از سلطه امیرالیسم نیز ارائه دهد. این گفته‌ها گرچه در ظاهر بیگانه انگریک انحراف " جب " است، اما در عمل مضمونی جز راست روی ندارد. هیئت حاکمه کنونی و جناحی از آن پیشکش، هیچ رژیم خرده بورژوازی هم فا در نیست این خواسته‌ها را سر آورد سازد. یک حقیقت بیشتر وجود ندارد آن اینکه جامعه عمل یونان ندن به خواسته‌های بالا فقط از جانب طبقه کارگر ممکن است و در نتیجه وقتی شما چنین انتظاری از هیئت حاکمه کنونی داشته، بر مبنای احرا نشدن این انتظارات با آن مخالفت می‌ورزید، نشان می‌دهد که تو گوئی این قبیل رژیم‌ها و حتی رژیم‌هایی به مراتب بهتر از اینها فا درند چنین خواسته‌هایی را بر آورد سازند و بر آورد نمی‌کنند. می بینید که آنکس که دچار " توهم " شده است، نه ما، بلکه شما و امثال شما شید. " زحمت " مسازره ضام میریالیستی حاضر را تخطئه کرده و " هیا هو " نامیده است و آنرا توطئه‌ای جهت ترمسکسم رژیم حاکم قلمداد نموده است و برای اثبات این مدعا به دلایل و انتظاراتی رو آورده است که اساسا مگر از جانب طبقه کارگر، از جانب هیچ نیروی اجتماعی دیگری انجام پذیر نیست. پس بیک کلام بگوئید، اینها خون نمایینده طبقه کارگر نیستند، مبارزه شان نیز " واقعی " و " ضام میریالیستی " نیست و خود را راحت کند و با این گفتار حجاب با بر طبقه‌ای و اقاشار اجتماعی ( دهقانان و خرده بورژوازی ) را نیز روشن نمائید.

۲- " زحمت " که ظاهرا از در " جب " وارد شده است، در عمل مضمون راست خود را آشکارا خسته برای امثال بازرگان و " لیبرالیسم " آنها هواداری میکند. اینان بازرگان را قربانی " انحصارطلبی "، " آخوند ها " دانسته، مضمون اختلاف میان بازرگان و خمینی را تضاد میان " رشد آزاد سرمایه منمرکز دولتی " که با بازرگان ظاهرا نمانده بوده اولی و آخوندها نمانده دومی استدلال می‌کنند. می نویسد، " سقوط بازرگان ... محصول منطقی تشدید گرایش انحصارطلبانه است که در عرصه برنامه و حرف، بحورت ولایت فقه منعکس میشود " (همانجا) و " سقوط بازرگان قبل از هر چیز بدلیل مخالفتی بود که از جانب جامعه انحصار طلب و قشری مسلک روحانیت و محافظ منتسب به خرده بورژوازی ساوی مورب مگرفت " (همانجا) و " آنها طالب تمرکز شدید سرمایه و قدرت در دست دولت اند "، " حال آنکه بازرگان و طبقه بورژوازی جامعه، طالب گسترش مالکیت خصوصی سروساثل تولید و آزادی رقابت سرمایه داری می-

در تکبیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید



# سخنی با نشریه زحمت : مبارزه ضد امپریالیستی هیاهو نیست ۲

بی مقدمه سمبوه ای می آوریم . انسان برای اسیان این ادعا که "حاضر و حاضرت" نمی تواند مبارزه، ضد امپریالیستی سما بد ( که خود در حکومتی طرح مسئله اساسا انحرافی است ) می نویسد ، " ضد امپریالیست بودن یک نیروی اجتماعی ، ارتباط مستقیمی با سائل آن نیروی اجتماعی به قبول حق مردم در تعیین سرنوشت خویش دارد " و " مبارزه واقعی ضد امپریالیستی تنها در مخالفت ظاهری با امپریالیسم خلاصه نمیگردد ، بلکه لازمش داشتن حنا ن خط مشی و برنامه ای است که متواتر استعدادهای یک ملت را شکوفا ن ساخته و آنرا در جهت از میان برداشتن همه آن روابطی که وابستگی به امپریالیسم به بقای آنها بستگی دار رسوق دهد . " ( " زحمت" شماره ۹ - تا کسدا زماست ) و بعد بر مبنای این " معارهای واقعی " نتیجه میگیرند که " جا معروحا نیت " ( بخوانند خمینی ) مبارزه، ضد امپریالیستی نمیتواند کند و آنرا نهم میکند " حنا ل و هیاهوست " . بکار دیگری این بطور را ملاحظه کنید . نیروئی متواتر ضد امپریالیست با نکه حق مردم را در تعیین سرنوشت خویش به رسمیت بشناسد . نیروئی متواتر ضد امپریالیست با نکه دارای حنا ن خط مشی و برنامه ای باشد که

۱ - مادر " حقیقت " ( شماره ۵۳ ) در بر خورنده نظرات " زحمت " نوشتیم که انحراف اینان از جمله اینست که " جا معروحا نیت " را یک دست بنده است ، قادر به بدین منافع و کرایش های مختلف طبقاتی زبر این جتسر ظاهرا و احذ نیستند و در نتیجه به انحراف در غلطیده اند . مقاله مندرج در " زحمت " شماره ۹ ، زیر عنوان " جا معروحا نیت و مبارزه، ضد امپریالیستی " نه تنها برای این گفته مهترانه می نهید بلکه نشان میدهد که انحراف " زحمت " به مراتب عمیق تر از این حرفهاست و آشفته فکری بزرگی بر آنها غالب می باشد .

## حزب جمهوری خلق مسلمان را بشناسید

" من برای حفظ تاج و تخت رژیم ، متکی به قانون اساسی شده ام و راه میانه را انتخاب کرده ام . این راهی است که هم به نفع اعلیحضرت است و هم به نفع من و هم به نفع دستجاتی که مسیرشان با من یکی است و مانند من درباره ایران فکر میکنند . این راهی که من میروم به آن علت است که استکا رعیل بدست تندروها نیفتد . اگر مراد مسرکا ملا موافقی احساس کنند ، دیگر نمی توانم مانند سدی در مقابل تندروها عمل کنم . من با بدتر نیستی بدم که مرا قبول کنند و به همین جهت است که ، برای جلب گروهها و افکار عمومی در داخل و خارج کشور میانه اندازدم ، چه اگر چنین نمی کردم ، وضعیت تندروها به جایی میرسد که مملکت را از زمین میبرد . من به آن جهت به قانون اساسی تکیه میکنم که بتواتر در باره حفظ تاج و تخت و مملکت بهتر تلاش کنم و بیشتر موفق باشم . " بقیه در صفحه ۱۴

## اهداف واقعی برخی از کاندیداها در انتخابات ریاست جمهوری

مبارزه، انتخاباتی برای ریاست جمهوری یکی از مابله مورد بحث مردم ایران است . نکته ای که برای بسیاری مطرح میباشد اینست که حوا تعدد کاندیداها اینقدر زیاد است ( حتی س از حذف نزدیک به ۹۰ تن از لیست انتخاباتی ) و چرا شخصیت هایی فعلا با نام و نشانی ، خون مدنی ، قطب زاده ، طباطبائی هر یک جداگانه وارد میدان گردیده اند ، در صورتیکه روشن است اکثریت آنها با شکست مواجه میشوند ؟

**اولا** ، از یکسو شرکت این افراد نشاندهنده آنست که هر یک از آنها محافل از هشت حاکمه و نیروهای موجود در معادله سیاسی و کنا کس طبقاتی در عرصه، جا معروحا نیت میکنند . این امر نمودار آنست که هر یک از آنان ، حداقل در دور اول ، مستقلا وارد عرصه انتخابات گردیده است .

**ثانیا** ، هدف همگی این افراد و شخصیت ها لزوما پیروزی در انتخابات با ت نیست ( اگر چه بسیار هم ما یلند که پیروز شوند ) ، و مطمئنا خود نیست میدانند که از قدرت کافی برای پیروزی در این انتخابات بهره مند نیستند . ولی همین انتخابات ریاست جمهوری برای این افراد ، و نیروهایی که نمایندگی میکنند ، فرصتی فراهم آورده است تا به جمع آوری نیرو سرد از تند و قدرت خود را نیز از بابی کنند . مثلا دریا دار مدنی ، که هم اکنون به گفته ای نزدیک به ۲۷۰۰ ستاد انتخاباتی تشکیل داده است ، حتی در صورت عدم پیروزی در انتخابات ، با جمع آوری

## تشدید بحران خاور میانه پیرو دسایس دوا بر قدرت

کشمکش های امپریالیستی و رشد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای منطقه خاور میانه و خلیج فارس ابعاد جدیدتری به خود گرفته است . در مرکز این تحولات انقلاب ایران و مبارزه، ضد امپریالیستی جاری تواتر است بندهای وابستگی و حاکمیت مطلق العنان آمریکا در ایران را مختل و تا حدودی از هم بگسلد . یک توازن جدید به سود انقلاب خلقهای منطقه و به ضرر امپریالیستی آمریکا - بکائی و هم دست نشان بوجود آمده است .

و افعیای جاری در منطقه خلیج فارس و خاور میانه بسیار تکرار است که دو گروه بندی ، دورشته تضا در حال شکل گیری و قوام است . از یکسو کشورهای بحران زده امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی بر سر اینکه کدا من سان سر اوضاع و احوالات

منطقه و منابع سرشار نفتی خاور میانه و خلقهای آن حاکم شوند ، در مقابل یکدیگر قرار گرفته ، رقابت های مسالمت آمیز گذشته اشان به صف بند - بیهای نظامی جدیدی منجر شده است . و از سوی دیگر رشد انقلابات خلقهای منطقه - بویژه ایران - شما می نظام سرمایه داری و رویزیونیستی بسین - المللی را با یک خطر جدی از دست دادن کل منطقه و حاکمیت مردم این خطه از عالم سرنوشت خویش مواحه کرده است .

همانقدر که تفکیک این دو گروه بندی از یکدیگر به نفع انقلاب و مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای منطقه منجر خواهد شد ، بهمان اندازه تداخل این جبهه بندی ها نیز به ضرر آن خواهد انجامید .

منطقه زرخیز خاور میانه شاهرگ حیاتی

## اخبار کوتاه

تهران - کارگران گفش وین پس از یک ماه روزه برونکوه و معادله کار - خانه از دست کارفرمای پست اکنون اسپردست کمته حساب شده است .

اس کمته ها که به دستور دولتی در کارخانه مسفر شده اند ، کارگران را باو هس ، تهدید و محس و سا -

سزای محصور به کار مسکند . اگر کسی زیر بار اس زور آسکار سرود ، احرا - حقن میکند . سازمان میخود در حاکم استئما سر آن حاکم و راسح است ، یا با اید برده و ارکارا کرد و با از گرسنگی مرد . اس قانون سرما سه - داری است .

سهران - روز دوسه سوم دسما ه کار - گاه با طمان محصه ، عال لمرس مکنف سیاسی برای کارگران بود . کار - گران در اعتراض